

هو العليم

## حقیقت کعبه و اسرار مناسک حج

و پرسش و پاسخ راجع به احکام حج

اسرار و احکام حج - مجلس سوّم

پاسخ به پرسش‌های زائران در آستانه تشرّف به حج

۲۶ ذی قعدة ۱۴۲۵ هجری قمری

بیانات

آیه الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی

قدّس الله سرّه

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ

و عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و لَعْنَةُ اللهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

خداوند در آیه شریفه می فرماید:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾<sup>۱</sup>

ای ابراهیم، مردم را به حج و آمدن به زیارت بیت

الله و خانه من ندا بده! (با چه کیفیتی و به چه

وسیله ای؟) با پای پیاده و بر مرکب های نحیف و

بیمار و هزال، و از هر منطقه ای و از هر دره ای و

از هر بیابانی، در اقصی نقاط دنیا!

نه اینکه در کنار عربستان، در یمن و عراق و

کشورهای هم جوار و نزدیک به مکه! بلکه از اقصی

---

۱. سوره حج (۲۲) آیه ۲۷.

نقاط دنیا بلند شوند و با این وضعیّت به زیارت خانه  
من و انجام مناسک و اعمالی که من در این فریضه  
برای بندگانم مقرر کرده‌ام بیایند.

### کیفیت پیدایش کعبه

از زمانی که خدای متعال حضرت آدم ابوالبشر را  
خلق کرد، مسئله مکه و جایگاه کعبه مشخص بود!  
در روایت داریم: وقتی که حضرت آدم خلق شد،  
این بنای فعلی کعبه از همان موقع به‌توسط حضرت  
آدم علامت‌گذاری شده بود ولی ساخته نشده بود.  
مثلاً به‌شکل یک سنگ‌چین و به‌شکل یک  
چهارستون بود و حتی داریم که یک سنگ در آنجا  
گذاشته بودند که چهارضلع کعبه را به همین  
وضعیتی که هست [مشخص کرده بود؛] نه‌اینکه  
از نظر جهت تفاوت داشته باشد.<sup>۱</sup>

یعنی مسئله کعبه یک مسئله من‌درآوردی نیست  
که همین‌طور یک منزل و چهارتا دیوار به هر کیفیتی  
درست کنیم و بعد هم به مردم بگوییم به‌سمت آن  
بایستند و به آن سمت نماز بخوانند! نه‌خیر، وضعیّت

---

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۹۵.

و مسئله کعبه از همان هنگام و موقع خلقت زمین با سایر امکنه و مناطق متفاوت بود. ما می دانیم که قبلاً همه زمین را آب گرفته بود، تمام کره زمین آب بود و هیچ نقطه خشکی بر روی زمین وجود نداشت. البته در باطن و طبقات مختلف زمین [مسئله فرق داشت] و مواد مذاب [بود] و طبقاتی که الآن هم وجود دارد، با همین کیفیت مخصوص به خود در همان موقع هم بوده است؛ ولی تمام روی زمین را آب گرفته بود. دلیل بر این مسئله هم وجود آثاری است که ما الآن می بینیم.

ما خودمان در سابق - حدود سی سال پیش - وقتی که به همین کوه نزدیک قم که کوه خضر است یا کوه های آن طرف تر می رفتیم، یادم است که ما از بالای کوه ها گوش ماهی جمع می کردیم! الآن هم من یک مقداری از آن را دارم و به ... داده ام؛ یعنی در بالا و قلّه کوه گوش ماهی بود و در آنجا آثار حیات مائیّه مشاهده می شد. گاهی اوقات ما با دوستان به بعضی از ارتفاعات اطراف مشهد که آن موقع نزدیک مرز شوروی سابق بود می رفتیم، تمام قلّه های کوه ها مملو از همین اشیاء فسیل شده دریایی بود و الآن هم

هست و الآن هم موجود است.

روی تمام زمین آب بود و اوّل نقطه خشکی که در زمین شروع شد کعبه بود! یعنی این خشکی از وسط کعبه شروع شد و به واسطه بالا آمدن طبقه زیر زمین و کنار رفتن و تبخیر شدن آب‌ها، کم‌کم این خشکی آمد و قاره‌ها به وجود آمد. اوّلین نقطه مکه بود که به آن روز دحوالأرض می‌گویند؛ یعنی در روز دحوالأرض که روز ۲۵ ذی‌القعدة است،<sup>۱</sup> زمین از اینجا شروع به تشکّل مناطق خشکی کرد و به واسطه آن خصوصیات که در نقاط مختلف به وجود آمد، فاصله بین اینها را همین دریاها تشکیل داد و به [واسطه] قاره‌های مختلف و خلل و فرج زمین، این اختلاف در مناطق به وجود آمد. این کعبه است.

**آیا کعبه یک امر اعتباری است یا واقعی؟**

و لذا مسئله کعبه یک مسئله اعتباری و قراردادی نیست، یک مسئله واقعی است که خدای متعال نشو و نمای زمین خود را [از کعبه قرار داده است]، و این خیلی نکته است که چطور این نشو و نما باید از

---

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۴۹.

همان جایی شروع شود که اراده او بر آنجا تعلق گرفته است؛ اراده خدا بر جایگاه خودش و در خانه خودش تعلق گرفته است و زمین هم باید از همان جا شروع شود و تکوّن زمین هم باید از همان نقطه به وجود بیاید. یعنی کلّ تشکّل مناطق مختلف در تمام دنیا باید از نقطه عبودیت و از نقطه وحدت و اتصال جنبه مَلکی به جنبه ملکوتی شروع شود و از آنجا نشئت بگیرد، لذا باید ما از این نظر قدر مکه را بدانیم و قدر کعبه را بدانیم و نباید این بنا را یک بنای عادی تلقی کنیم که مثل سایر ابنیه است! جاهای دیگر هم ساخته‌اند، در جاهای دیگر هم از این چیزها می‌سازند و مانند آن هم هست. حتی ما به بعضی از جاها رفتیم و شنیده‌ام در هند هم هست و یا بعضی‌ها در همین ایران، عبادتگاه خودشان را مانند کعبه درست کرده‌اند؛ در ایران هست و یک‌هم‌چنین امکنه‌ای وجود دارد و ظاهراً ما در خدمت مرحوم آقا رفته بودیم. یعنی به طول و عرض و به همین ارتفاع کعبه ساختمان ساخته شده است و آنجا را محل عبادت خودشان کرده‌اند، اما وقتی که انسان در آنجا می‌رود و نگاه می‌کند، تا نگاهش به

کعبه می‌افتد می‌فهمد که تفاوت از زمین تا آسمان است! با اینکه این همان سنگ است و با همان سنگ این بنا را می‌سازند، ولی مسئله خیلی تفاوت می‌کند. مسئله مکه و مسئله کعبه، یک مسئله عادی نیست که ما با یک نظر عادی به او نگاه کنیم و دیدگاه ما نسبت به او مانند سایر جاها و سایر بناها، یک دیدگاه عادی باشد. از نظر سنگ بودن، این سنگ تفاوتی با سنگ دیگر ندارد؛ بر فرض شما این سنگ‌ها را هم خراب کنید و جای دیگر ببرید و اصلاً دوباره از اول این بنا را با آجر درست کنید، همان است و تفاوتی نمی‌کند؛ اگر شما این بنا را با آهن هم درست کنید، با گچ هم درست کنید، با خاک هم درست کنید، همین است و مسئله، مسئله سنگ آن نیست و مسئله ملاط آن نیست که این ارزش و این قیمت و اعتبار را به او داده است! بلکه ارزش و اعتبار او به تعلق اراده و میل پروردگار است؛ میل پروردگار و اراده پروردگار به این نقطه خاص تعلق گرفته است و برای انسان در طول سال، از این موقعیت‌ها پیش می‌آید.

## تأثیر زمان و مکان در ارزش اعمال

مثلاً می‌گویند انسان باید در شب قدر این اعمال را انجام بدهد؛ چرا؟ شب قدر که با سایر شب‌ها فرق نمی‌کند، اگر ده ساعت است شب قبل آن هم ده ساعت بود، ماه در شب قدر به هر مقدار بود شب بعد و شب قبل آن هم همین است و تفاوتی نمی‌کند، زمان که فرق نمی‌کند؛ شب نیمه شعبان هم همین است و روز عید قربان هم مسئله همین است؛ در مواقع مختلف و در ظرف‌های مختلف و خصوصیات مختلف، مسئله به همین کیفیت است؛ چرا مطلب این‌طور است؟ چون اراده پروردگار به این زمان خاص تعلق گرفته است! ماه رمضان یک خصوصیتی دارد که اختصاص به ماه رمضان دارد و اگر شما مثلاً ماه ذی‌القعدة را روزه بگیرید با ماه رمضان فرق می‌کند؛ اگر شما ماه ربیع‌الأول را روزه بگیرید و بگویید ما به جای ماه رمضان ماه ربیع‌الأول را روزه می‌گیریم، [چون] آن موقع حالمان خیلی خوش نیست؛ هیچ فایده‌ای ندارد! همین‌که ماه رمضان می‌آید انسان احساس می‌کند که حال و هوا عوض شد! خورشید و زمین که همان است و



تفاوتی نکرده‌اند، اما مسئله فرق پیدا کرد و بزرگان این مطلب را می‌فهمند.

## حکایتی لطیف از مرحوم آقا شیخ محمد

### بهاری

دیشب یک کتاب می‌خواندم، کتابی بود، دیدم داستان‌های خیلی خوبی در آن هست، خیلی حکایاتی از بزرگان بود، دیدم حکایات خیلی لطیف و ظریفی است؛ یک حکایتی در آن از مرحوم آقا سید ابوالقاسم لواسانی که وصیّ ظاهری مرحوم آقا سید احمد کربلایی بود<sup>۱</sup> نقل می‌کرد. بعضی شب‌ها به اتفاق مرحوم آقا شیخ محمد بهاری به مسجد سهله می‌رفتند، زیارت می‌کردند و تا صبح هم می‌ماندند. مرحوم آقا شیخ محمد بهاری از اولیاء خدا بود و از شاگردان مرحوم آخوند ملاّحسینقلی همدانی و به اصطلاح هم‌شاگردی آقا سید احمد کربلایی بود<sup>۲</sup>، یعنی هر دو با هم پیش مرحوم آخوند می‌رفتند؛ و هر دو، مخصوصاً آقا سید احمد، از آن اعجوبه‌ها بودند!

---

<sup>۱</sup>. رجوع شود به مطلع انوار، ج ۳، ص ۴۹ و ۴۲۷ - ۴۲۹.

<sup>۲</sup>. رجوع شود به توحید علمی و عینی، ص ۱۷، تعلیقه.

قبر مرحوم آقا شیخ محمد بهاری در دوفرسخی  
همدان، در همان بهار است و اصلاً مشخص است  
که چقدر مرد بزرگ و نورانی و عظیم المنزله‌ای بوده  
است، بسیار مرد بزرگی بوده است، برکت آن منطقه  
به واسطه وجود ایشان در آنجا است و افرادی که در  
آنجا می‌روند حکایات عجیبی از آن قبرستان و از  
آثاری که در آن قبرستان دیده‌اند نقل می‌کنند.  
هم‌شاگردی ایشان مرحوم آقا سید احمد کربلایی  
بوده است که استاد اخلاق مرحوم قاضی بوده است،  
و ایشان یک شخص عجیب و نادره‌ای در عالم  
فضیلت و علم بوده است. مرحوم آقا سید ابوالقاسم  
با ایشان به مسجد سهله می‌رود، نزدیک صبح  
می‌شود، ایشان از زیر سقف بیرون می‌آید و می‌رود  
به آسمان نگاه کند که ببیند اذان صبح شده است یا  
نه، شک می‌کند، برمی‌گردد و می‌گوید: «حالا  
یک قدری صبر کنیم تا طلوع فجر شود!» می‌بیند  
مرحوم آقا شیخ محمد بهاری دارد اذان می‌گوید!  
می‌گوید: «آقا، هنوز یک قدری صبر کنیم!» [شیخ  
محمد بهاری] می‌گوید: «برو بابا! من خودم دیدم  
ملائکه شب رفتند و ملائکه روز آمدند و شیفتشان را

عوض کردند، تو به من می‌گویی چرا داری اذان می‌گویی!»<sup>۱</sup>

توجه می‌کنید؟ این مسائل هست، اینها واقعیت است و عالم تکوین، این عالم ظاهری که ما داریم می‌بینیم، گتره نیست.

اگر من بخواهم شمّه‌ای از آنچه که در حدود خودم شنیده‌ام نقل کنم، رفقا قدرت شنیدن ندارند! خیلی بی‌رودربایستی! تازه آن قدری که در [سعه من بوده است] و آنچه که من شنیده‌ام؛ ما که چیزی نفهمیدیم ولی خب چیزی که شنیده‌ایم و آن مقداری که در سعه ما بوده است. این مسئله است. حال وهوا عوض می‌شود. شما بیاید بگویند من می‌خواهم به جای ماه رمضان، ماه محرّم روزه بگیرم! نه، فایده‌ای ندارد؛ بله، روزه خوب است و انسان می‌تواند روزه مستحبی هم بگیرد، ولی آن حال وهوای ماه رمضان چیز دیگری است، آن حال وهوای رجب چیز دیگری است، و رجب با ماه رمضان هم فرق می‌کند، خصوصیت آن فرق می‌کند،

---

<sup>۱</sup>. رجوع شود به روح مجرد، ص ۱۵۶ - ۱۵۹.

ولی کسی که رجب را درک کند به این معنا نیست که بی‌نیاز از ماه رمضان است! آن به‌جای خود، این‌هم به‌جای خود! مثل کسی که بگوید: «ما نماز می‌خوانیم ولی دیگر روزه نمی‌گیریم! نماز بهترین [عمل است!]» **«الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ»**<sup>۱</sup>، «ما نودی

**بِشَيْءٍ كَمَا نودی بِالصَّلَاةِ»**<sup>۲</sup>، به هیچ چیز مثل نماز تأکید نشده است! ما به‌جای روزه نماز می‌خوانیم! نه! آن به‌جای خود، این‌هم به‌جای خود! آب برای ما مفید است، اما اگر ما همه‌اش آب بخوریم می‌میریم! بی‌رودربایستی می‌میریم! هم باید آب بخوریم، هم باید نان بخوریم، هر دو باید باشد؛ اکسیژن مفید است، ولی اگر کسی بگوید من فقط اکسیژن تنفس می‌کنم و آب نمی‌خورم! خُب می‌میرد! باید هر

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

«عن فضیل بن یسار عن اَبی جَعْفَرٍ علیه السَّلَام قال: **بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نودی بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَ تَرَكُوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ.**

... عن زُرَّارَةَ عن اَبی جَعْفَرٍ علیهما السَّلَام قال: **بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةِ قال زُرَّارَةُ: فَقُلْتُ: وَ أیُّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ: الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَیْهِنَّ قُلْتُ: ثُمَّ الَّذِي یَلِي ذَلِكَ فی الْفَضْلِ؟ فَقَالَ: الصَّلَاةُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ قال: الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ...»**

چیزی در جای خودش و در موقعیت خودش لحاظ شود، که خوب راجع به این قضیه هم یک عرض مختصری دارم.

بنابراین مسئلهٔ مکه و مسئلهٔ کعبه را شوخی نگیریم، خیلی مسئلهٔ مهمی است و مطلب، خیلی مطلب قابل توجهی است. یک وقتی رفقا خیال نکنند که می‌خواهند به یک سفر عادی مشرف شوند! فرض کنید که به یک سفر تفریحی و یا خارج از کشوری می‌روند، حالا باید در ضمن یک کارهای روتینی<sup>۱</sup> هم انجام بدهند و یک مسائل و افعال و اعمالی هم انجام بدهند و تکلیف هم ساقط بشود! مسئله این‌طور نیست! رفقا می‌خواهند به جایی بروند که اینجا را خدا برای پذیرایی مهمانان خودش انتخاب کرده است، خدا برای پذیرایی بندگان خودش انتخاب کرده است، خدا برای پذیرایی افرادی انتخاب کرده است که آنها را به غرض در این دنیا آورده است، نه گتره! همین‌طوری کاغذ نینداخته

---

۱. فرهنگ فارسی معین: «روتین: کاری که به‌طور منظم یا به‌طور معمول و مکرر انجام می‌شود.»

است که اسم فلانی دربیاید و او را خلق کند! نه، روی حساب در این دنیا آورده است.

برای تک تک لحظات ما پرونده و حساب است! ما که الآن در این دنیا هستیم، به این معنا است که برای هر تک تک ما پیش خدا و پیش ملائکه یک پرونده باز شده است، یک دفتر باز شده است؛ [نباید بگوییم:] خدا این همه خلاق دارد، دیگر کی چشم او به ما می افتد! این همه ملائکه بخواند [به پرونده من رسیدگی کند!] نه، به همان مقدار که خدا از نظر اهمیت و از نظر موقعیت، به بالاترین فردی که روی زمین است توجه دارد و برای او حساب باز می کند و برای او کار و برنامه دارد - که پیغمبر اکرم است و بالاتر از او نداریم - به همان مقدار برای تک تک ما حساب باز کرده است، به همان مقدار برای تک تک ما پرونده درست کرده است؛ دفتر اوّل، دفتر دوّم، کاغذ اوّل، ورق دوّم، سوّم، چهارم، تا اینکه این دفتر تمام بشود! در صفحه ۳۹ چه نوشته‌ای؟ ما فلان کار را از تو دیدیم و در صفحه ۳۷ ثبت کردیم! شما در صفحه ۳۳ فلان عمل را در فلان روز و فلان ساعت انجام داده‌ای! مو نمی زند! تمام آنچه را که خدای

متعال برای هر کسی از عمر مقرر کرده است، به تعداد هر روز یک ورق قرار داده است؛ از صبح که از خواب بلند می شویم، تا شب که می خواهیم بخوابیم؛ سطر اوّل، سطر دوّم، تا آخر؛ و این دفتر را در روز قیامت به دست ما می دهند. بنابراین خلقت ما خلقت گتیره نبوده است، براساس یک هدف و براساس یک مسیری بوده است.

این چه عامل و چه نیازی بوده است که خدا نگفته است به جای حج نماز بخوانید، روزه بگیرید، خمس پردازید، زکات پردازید، انفاق کنید، و صلّه رحم کنید؟ خُب خدا به جای حج می گفت این کارها را انجام بدهید! اینکه بلند شوید از یک مکان دور، دورترین نقطه زمین - فرض کنید که در وسط قاره امریکا، یا شهری که درست مقابل مکه باشد، شهرهایی که می شود به دو سمت نماز خواند، یعنی [فاصله] آن نقطه نسبت به مکه [مساوی است] و می شود به دو سمت نماز خواند<sup>۱</sup> - باید از آنجا بلند

---

<sup>۱</sup> . نقطه مقابل کعبه، دقیقاً در اقیانوس آفریقای جنوبی حدود صد کیلومتری شهر ریودوژانیرو یکی از شهرهای کشور برزیل در قاره امریکای جنوبی می باشد. (محقق)

شوید و با بَلَم و قایق به مکه بیاید! اینکه عرض می‌کنم شوخی نیست! با قایق، نه با هواپیمای ۷۴۷! باید با قایق بلند شوید و از آنجا برای انجام این مسئله بیاید! چه نکته‌ای در این هست؟ آیا مطلب همین مسئله عادی است؟ حالا چون خدا گفته است دیگر! مثل بقیه چیزهایی که خدا گفته است، این هم روی آن! آیا یک مسئله عادی است؟ یا اینکه به قول بعضی: «این حرف‌ها را بعضی‌ها درآورده‌اند!» و یا اینکه نه، این قسم که خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿ای بنده ما ابراهیم! ندا در ده که این ندایت تا روز قیامت به گوش همه عالمیان برسد!﴾ تا زمان ظهور حضرت مهدی، تا زمان بعد از ظهور، تا زمان رجعت، در زمان بازگشت ائمه؛ هر کسی تا روز قیامت در این دنیا می‌آید، باید به اینجا بیاید! یعنی چه؟ یعنی تکامل انسان در این دنیا به ارتباط و تعلق روحی او به این مناسک و اعمالی است که می‌خواهد اینجا انجام بدهد! این مسئله است. کسی که به مکه نرود، ناقص از دنیا می‌رود و آن باری را که بر عهده

---

۱. سوره حج (۲۲) آیه ۲۷: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكَّرِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَا تَيْنٍ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾.



او است به مقصد نمی‌رساند؛ خیلی عجیب است.

## اهمیت زیارت اعتاب مقدّسه از دیدگاه

### علامه طهرانی

یک وقتی یکی از دوستان ما بود، در یکی از شهرستان‌ها، از او سؤال کردم: شما چنددفعه به مشهد و زیارت امام رضا رفته‌اید؟ گفت: «من یک مرتبه در هجده سالگی رفته‌ام!» گفت: «۳۳ سال است که نرفته‌ام!» گفتم: تو مسلمان هستی؟! تو مسلمان هستی؟! کسی ۳۳ سال در اینجا [باشد و به مشهد نرود؟! بابا! اگر یک اتوبوس سوار بشوی شب یا فردا صبح مشهد هستی! اینکه دیگر [زحمتی] ندارد! آخر به تو مسلمان می‌گویند؟! گفت: «نشد!» گفتم: چرا نشد؟! چرا بقیّه کارهایت می‌شود؟! چرا برای مسائل دیگر وقت می‌گذاری؟! تو ۳۳ سال یک زیارت امام رضا را انجام ندادی؟! چرا این طور است؟ چون ما امام رضا را نشناخته‌ایم! خیال کرده‌ایم امام رضا یک آدم عادی مثل بقیّه است که برای او گنبد درست کرده‌اند! امام

---

۱. رجوع شود به دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۸۸ - ۲۹۱.

رضا یک آدمی مثل بقیّه است و بالأخره حالا عیب ندارد و یک ثوابی هم می‌بریم، حالا اگر توفیقی پیدا کردیم [به زیارت می‌رویم!] اما تا وقتی که زندگیمان خوب است و مسئله‌ای در پیش نداریم و اوضاع مرتّب است [به فکر زیارت نیستیم!] ولی اگر این‌هم با ما قهر کرد و آن‌هم قهر کرد و او ما را از خانه بیرون کرد و با زنمان هم دعوا کردیم و با شریکمان هم به هم زدیم و... خوب حالا کجا برویم؟ برویم یک زیارت امام رضا هم انجام بدهیم! ما امام رضا را نشناخته‌ایم، ما امام حسین را نشناخته‌ایم، ما امام زمان را نشناخته‌ایم، لذا به این راحتی با مسئله برخورد می‌کنیم! چه کسی امام رضا را شناخته است؟ پدر ما شناخته است که می‌گوید:

اگر شخصی از آن نقطهٔ عالم، سینه‌خیز (نه با پا!)

روی برف برای زیارت امام رضا بیاید کاری

انجام نداده است!

او شناخته است و او سرّ رفتن و حرکت کردن و

تسلیم شدن و تقرّب به ولایت پیدا کردن را می‌داند

و فهمیده است؛ خوب به ما گفته است و مطلب را

برای ما بیان کرده است. حال اگر کسی نخواست

سینه‌خیز سراغ امام رضا برود، با ماشین برود! با درشکه و اینها هم نروید، با ماشین بروید! با قطار بروید! با طیاره بروید! دیگر [وسیله رفتن را] در اختیار هر کسی گذاشته‌اند.

## افراط در توجه به ظواهر اعمال و غفلت

### از حقایق آنها

مردم تقصیر ندارند و این طور برای آنها بیان شده است. یک‌میلیونم حقیقت حج و مسئله حج و فلسفه حج و روحانیت حج و معنویت حج و آثار و برکاتی که در حج برای انسان نصیب می‌شود، مربوط به احکام و عبادات و اعمال و افعالی است که باید انسان انجام بدهد! متأسفانه تمام سعی و توان را روی اعمال می‌گذارند که این عمل را چطور انجام بدهید، آن عمل را چطور انجام بدهید، سرتان را برنگردانید، موقعی که دارید لبیک می‌گویید متوجه باشید که لبیک را قشنگ بگویید، غین را خوب بگویید و مخارج را خوب ادا کنید!

در سفر گذشته که ما مشرف شدیم، یکی از افراد که از معروفین بود هم آمده بود و از باب نصیحت به بعضی از دوستان گفته بود: «به آن مقدار که دقیق به

اعمال و کردارتان برسید، به همان مقدار به خدا نزدیک می‌شوید!» یعنی چه؟ یعنی تمام اعمال و رفتار حج، منوط به دقت در کیفیت حرکت کردن و کیفیت نگاه کردن و کیفیت الفاظ را از دهان خارج کردن است! اینکه حج نیست، این تئاتر است، این فیلم است، حج نشد!

ما وقتی که در حج بودیم یک شخصی از لبنان آمده بود - چون ما با یک گروه لبنانی رفته بودیم، حدود ده سال پیش بود که مشرف شده بودیم - برای آنها می‌گفت: «اینکه نباید شانۀ از سمت کعبه تکان بخورد، به خاطر این است که خدا می‌گوید همه در یک صف حرکت کنند!» گفتم مگر اینجا ارتش است؟! مگر اینجا نظام است که همه باید در یک صف قدم رو، نه چپ و نه راست، این طور بخواهند [طواف کنند؟!]. گفتم آقا این حرف‌ها چیست دارید می‌زنید؟! پیغمبر سوار شتر و با شتر می‌گشت! این حرف‌ها چیست که می‌زنید؟! با اینکه مرجع تقلید آنها بود! گفتم این حرف‌ها را از کجا درآوردید دارید می‌زنید؟! پیغمبر گاهی اوقات با شتر دوڑ [کعبه]

می گشت! این حرف‌ها چیست؟! هیچ، آن بنده خدا رفت؛ بعد دیگر آنها گفتند: «خُب سید، تو برای ما بگو!» دیگر شروع به گفتن کردیم. روز سوّم که شد گفتند: «خدا خیرت بدهد، پدرت را بیامرزد، ما را راحت کردی! داشتیم می‌مردیم! شب‌ها خواب پریشان می‌دیدیم!» جدی می‌گفتند! التفات می‌کنید که بر سر مردم چه می‌آورند؟! «شب‌ها ما از این مسائل خواب پریشان می‌دیدیم!» وقتی هم که حجّشان تمام شد، آمدند پیش ما [گفتند:] «ما این کار را کردیم!» گفتم برو پی کارت! «آن کار را کردیم!» گفتم بلند شو! فقط به یکی گفتم احتیاطاً برو و این عمل را دوباره انجام بده، فقط همین؛ گفتند: «آقا، خدا خیرت بدهد! خدا عمرت بدهد!» واقعاً عجیب بوده است دیگر! خب ببینید، ما آمده‌ایم این مسئله به این مهمی و این قضیه به این مهمی را فقط در کیفیت کلمات و کیفیت تعبیر و توجه به شانه‌ها و پرداختن به حرکات ظاهر و غفلت کردن از همه آنچه که خداوند در این قضیه برای ما تعیین

---

۱. الکافی، ج ۴، ص ۴۲۹.

کرده است و برای ما بیان کرده است خلاصه کرده‌ایم!

## مکاشفه صادق در باره بهره‌مندی اطفال و

### جوانان از سفر حج

مسئله حج مسئله‌ای است که ما باید متوجه باشیم که این مسئله را خدا برای رشد ما قرار داده است، خدا برای کمال ما قرار داده است و خدا برای رسیدن به آن فعلیات قرار داده است. اگر هم در اینجا متوجه نشویم، در آن دنیا می‌فهمیم که به واسطه این اعمال و به واسطه این کردار، چه مسائلی و چه مطالبی برای ما آماده و ذخیره شده است. چرا می‌گویند افراد، در سنین جوانی به مکه بروند؟<sup>۱</sup> چون زندگیشان را تا آخر با مکه بگذرانند و حال و هوای مکه را تا آخر در دل داشته باشند؛ چرا مستحب است که بچه‌ها را هم به مکه ببرید؟<sup>۲</sup> چون آنها هم اثر می‌گیرند و آنها هم متوجه می‌شوند و آنها هم نور می‌گیرند! یکی از دوستانی که اهل مکاشفه بود و مکاشفات صادقی داشت - البته از رفقا نیست، از دوستان است و

---

۱. رجوع شود به روح مجرد، ص ۹۸.

۲. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۴۵ و ۲۸۶ - ۲۸۹.

شخص صادقی است - پارسال خود او این قضیه را  
برای من نقل می کرد و می گفت:

وقتی که من در اوّل پله های صفا و مروه نشسته  
بودم و داشتم نگاه می کردم، در همان شب ششم  
یا هفتم بود که دیدم یک کاسه ای از کعبه بالا آمد  
و این کاسه به حدّی بزرگ بود که تمام کعبه را  
گرفته بود، یک نیم گوی و نیم دایره بالا آمد و از  
این کاسه معلّق به افراد نور می خورد! دیدم دارد  
به تمام افرادی که داشتند دور این کعبه می گشتند  
می خورد؛ به بعضی ها زیاد، به بعضی ها کم و به  
بعضی ها فقط یک خط نوری می خورد؛ نگاه  
کردم و دیدم به بچه هایی که دارند [حج]  
می کنند، از همه اینها بیشتر می خورد!

بچه معصوم است! التفات می کنید؟ آن وقت  
می گویند بچه را تمرینی به مکه ببرید تا بالأخره ببیند  
و تماشا کند!

بچه معصوم است، بیشتر می گیرد، بیشتر از بزرگ  
می گیرد، ما گناه کردیم، ما آلوده هستیم، آنها که  
نیستند! می گفت:

هر کدام اینها که جوان تر بودند، هفده سال و  
هجده سال و جوان بودند، آنها بیشتر می گرفتند!  
(البته گفت:) پیرمردهایی هم بودند که آنها هم

وضعیتشان [خوب بود!]

و این نور به اینها می خورد و از اینها به بی نهایت  
می رفت! همین طور از این کاسه به این شعاع  
می خورد و به آن بی نهایت می رفت!

یعنی مسئله به این نحو است! این بچه که الآن  
دارد به مکه می رود، مدام دارد می گیرد، مدام دارد در  
دلش می گیرد و مدام نگه می دارد. ما باید با این  
وضعیت به مکه نگاه کنیم و به کعبه نگاه کنیم و به  
این اعمال نگاه کنیم؛ نه اینکه می رویم آنجا و یک  
کارهایی انجام می دهیم، خدا گفته است بالأخره باید  
در عمر یک دفعه بروی و دیگر حالا چکار کنیم و  
چاره نداریم!

درک ائمه علیهم السلام از حقیقت حج و

اشتیاق به آن

یک سفری ما رفتیم - سفری که در زمان مرحوم  
آقا و سه سال مانده به فوت ایشان رفتیم - هنوز به  
مکه نرفته بودیم و در مدینه بودیم، در آنجا یک  
شخصی آمد، گفتیم: خب، اینجا خوب است؟  
گفت: «خوب است دیگر! إن شاء الله زود می گذرد و  
تمام می شود و به وطنمان و شهرمان برمی گردیم!»  
به به به! تازه هنوز در مدینه است فکر برگشتن است!



«پیش زن و بچه‌مان برمی‌گردیم و می‌گذرد دیگر!  
إن شاء الله این چند روز هم می‌گذرد!» خب این یک  
دیدگاه است. یک دیدگاه دیگری هم هست که اصلاً  
نمی‌خواهد از آنجا بیرون بیاید! وقتی پایش را آنجا  
می‌گذارد اصلاً دیگر نمی‌تواند دل بکند و اصلاً دیگر  
جایی برای او مطرح نیست و مکان دیگری برای او  
مطرح نیست!

رفقا بدانید که اینجا جایی است که انبیا بعد از  
رسیدن به نبوتشان تازه احساس نیاز به اینجا کردند!  
فکیف به ما! چرا پیغمبر اکرم به مکه مشرف می‌شد؟  
چرا امام زمان علیه السلام هر سال به مکه مشرف  
می‌شود؟ ما خیال می‌کنیم امام زمان همین طوری و  
به عنوان یک کار عادی می‌رود! چرا هر سال مشرف  
می‌شود؟ حضرت هر سال به مکه مشرف می‌شوند و  
در همهٔ اماکن حضور دارند؛<sup>۱</sup> یعنی وقتی رفقا دارند  
در مکه طواف می‌کنند بدانند که یکی از آنها امام  
زمان است که دارد طواف می‌کند! متوجّه باشید!

---

<sup>۱</sup>. رجوع شود به الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷ و ۳۳۸؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲،  
ص ۵۲۰؛ الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۵۳ و ۲۵۴.

وقتی در عرفات هستید بدانید که یکی از افراد در عرفات امام زمان است! منتهی صلاح نمی‌بیند خودش را نشان بدهد؛ شاید هم به همه نشان بدهد! اتفاقاً داریم که حضرت خودش را در عرفات به همه نشان می‌دهد؛ ولی خب صلاح بر شناسایی و معرفت نیست. حضرت در مِنی حضور دارد، سنگ می‌زند، رمی می‌کند، قربانی می‌کند و همه کارها را انجام می‌دهد؛ چرا؟ حضرت بی‌کار است؟! کار حضرت در این دنیا که از همه ما بیشتر است! تمام عالم ملک و ملکوت و ملائکه، دارد به فکر و تدبیر حضرت می‌گردد. امام حسن مجتبی در زمان حیات خود بیست و پنج بار از مدینه به مکه آمد و اکثر این مسافرت‌ها با پای پیاده بود! بین مکه و مدینه هفتاد یا هشتاد فرسخ فاصله است! اکثر آن با پای پیاده بود؛ درحالی‌که مرکب‌های حضرت در جلو حرکت می‌کردند، نه اینکه حضرت نداشتند! امام حسن بعد از رسیدن به امامت چه احساسی داشت؟ امام که از پیغمبران هم بالاتر است! البته حضرت رسول مقام

---

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

امامت هم داشتند. امام حسن چه احساسی داشت که بیست و پنج بار رفت و اکثر آن هم پیاده رفت؟ چه احساسی داشت؟ بیکار بود؟ یا اینکه نه، تازه امام بعد از رسیدن به امامت می‌فهمد که اینجا چه خبر است، می‌بیند که اینجا قضیه چیست! آن چیزی را که امام می‌فهمد، صد هزار سال ما نمی‌فهمیم! ما به اندازه درک خودمان می‌فهمیم؛ ما به اندازه درک خودمان می‌فهمیم گیج و حیران می‌شویم، حالا کیف به [فهم و ادراکی که امام دارد!] چرا؟ چون عنایت و لطف پروردگار حد و حصر ندارد؛ برای ما یک‌طور تقسیم می‌کند، برای امام یک‌طور دیگر، هر دو یک‌جا می‌رویم ها! هر دو دوُر کعبه می‌رویم و هر دو عرفات می‌رویم و هر دو مِنی می‌رویم و هر دو مشعر می‌رویم، [اما] آنکه به ما می‌خورد یک چیز است و آنکه به امام زمان می‌خورد چیز دیگر است؛ لذا او هم همین‌جا می‌آید، او نمی‌گوید من بی‌نیاز هستم، او نمی‌گوید من که ولایتم تمام [عالم را گرفته است] مستغنی هستم! تازه تمام فیض‌هایی که به همه می‌رسد به خاطر حضرت است، یعنی از دریچه

حضرت رد می‌شود و آن نور خاص به همان  
خصوصیت به هر کسی می‌رسد. به هر کسی بر طبق  
آن مقدرای که سعه دارد و ملتفت است و غافل  
نیست، به همان مقدار از دریچه حضرت به او  
می‌رسد.

### چگونه از سفر حج بیشترین بهره را ببریم؟

بنابراین رفقا و دوستان باید بدانند و قدر این سفر  
را خوب متوجه بشوند که حال که توفیق الهی شامل  
حال ما شده است و خداوند قسمت این پذیرایی را  
نصیب کرده است [باید قدر آن را بدانیم!] مگر یک  
ماه چقدر است؟ ما حساب این یک ماه را از  
زندگیمان کنار بگذاریم، یک ماه! یک ماه به مطالب  
عادی نپردازیم، یک ماه هر حرفی را نزنیم، یک ماه  
هر فکری را به سرمان نیاوریم، خیلی زیاد نیست؛ ما  
که در تمام طول سال باید این طور باشیم، حالا خدا  
گفته است فعلاً یک ماه [این طور باشید؛] یک ماه با  
هر کسی ننشینیم و بلند شویم، یک ماه به حرف‌های  
بقیه گوش ندهیم. مردم در غفلت هستند.

ما در همان پنج سال پیش که در خدمت رفقا و  
بعضی دوستان رفته بودیم، موقع ظهر که شد، خب

ما از مسجدالحرام دیر آمدیم، گفتند: آقا نهار دیر شده است! گفتیم: خب دیر شده است که دیر شده است، نمی خوریم، اگر می خواهید نهار ما را کنار بگذارید! گفتند: ما نمی توانیم به خاطر شما صبر کنیم! گفتم: خب شما نکنید! ما هر وقت آمدیم، اگر نهار بود می خوریم و اگر نبود از شما مطالبه نمی کنیم! گفتند: عجب! چرا اینها این طوری هستند؟ خب ما مطالبه نمی کنیم، اگر مطالبه کردیم بگویند غذا فلان شده است! دیگر منجر شد به اینکه رسماً تعطیل شد! یعنی چون ما شبها دیر می آمدیم - دو ساعت یا سه ساعت بعد از موقع شام می آمدیم - و موقع ظهر هم همین طور دیر می شد، لذا تعطیل شد. حالا که تعطیل شد باز هم برای ما حرف درآوردند که چرا اینها خودشان را کنار کشیدند؟ ببینید، مردم این طوری هستند! اگر نیایی می گویند چرا نیامدی؟ اگر بیایی می گویند آقا...! می گوئیم آقا ما اصلاً غذا نمی خواهیم! چه کار کنیم؟ ما غذا نمی خواهیم!

کسی که به مدینه رفته است که نباید خودش را

در بند غذا کند! نباید خودش را در بند این مسائل کند! آن وقت می‌نشستند و از همین حرف‌ها [می‌زدند!] صدایشان از اطاق می‌آمد و دیگر بماند که به چه مطالبی و به چه حرف‌هایی می‌گذرانند! خوب حالا انسان می‌تواند بیاید با یک‌هم‌چنین افرادی حشر و نشر داشته باشد؟ می‌تواند بیاید خودش را قاطی کند؟ می‌تواند بیاید وقتش را با اینها صرف کند؟ یا نه، باید دنبال کارش برود! هر کسی باید برود دنبال کارش، دنبال بیچارگی‌اش، دنبال هزار تا بدبختی و هزار تا بیچارگی که ما داریم؛ باید به دنبال آن برود.

## اعتراض به علامه طباطبائی و پاسخ علامه

### طهرانی

مرحوم آقا در یکی از همین نوارها - نمی‌دانم شنیده‌اید یا نه - راجع به مرحوم علامه طباطبائی می‌گفتند:

وقتی که ایشان در نجف بودند، علما اعتراض می‌کردند که چرا ایشان همیشه سر خود را پایین می‌اندازد، می‌آید و به درس می‌رود، می‌آید و به حرم می‌رود، سر خود را بلند نمی‌کند، این طرف را نگاه نمی‌کند، آن طرف را نگاه نمی‌کند، سلام

نمی‌کند!

مرحوم آقا می‌فرمودند:

علامه هزار تا بیچارگی دارد و می‌خواهد به درد خود برسد! او که به نجف نیامده است ویتترین را نگاه کند! بیاید یکی یکی نگاه کند که چه کسی رد شد و چه کسی پسرخاله و پسرعمویش بود! او فقط دنبال خود است، دنبال فکر خود است، دنبال راه خود است، دنبال مقصد خود است؛ دیگر فرصت نمی‌شود که انسان سرخود را این طرف و آن طرف کند! فرصت نمی‌شود که انسان به این طرف و آن طرف پردازد!

وقتی من شب‌ها در مستجار می‌نشستم، تا پاسی از شب [آنجا می‌ماندم] و معمولاً روش ما این بود که به همان [جا] می‌رفتیم؛ افرادی که به آنجا می‌آمدند، افراد مختلفی بودند؛ عده‌ی زیادی از اینها آقایان و فلان و کذا بودند، اصلاً می‌آمدند آنجا بنشینند که رفقایشان را ببینند و افرادی که از کشورهای دیگر می‌آیند را ببینند، و آنجا شده بود یک مجلس برای جمع و اجتماع و خندیدن و حرف

---

۱. رجوع شود به آیین رستگاری، ص ۱۶۱.

زدن و غیبت کردن و ...! دو ساعت می نشستند و  
بالآخره امشب یک عده را دیدیم و بلند می شدند و  
می رفتند! وقتی راه می رفتند، همه اش چشم آنها  
این طرف و آن طرف بود که چه کسی را ببینند و جمع  
کنند و صدا کنند.

آن کسی که می خواهد به مکه و مسجدالحرام  
برود، فقط باید چشمش به کعبه باشد! «النَّظْرُ إِلَى  
الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ»<sup>۱</sup> نظر به کعبه عبادت است» فقط باید به  
آن توجّه داشته باشد و به هیچ جای دیگری نباید  
توجّه داشته باشد؛ اصلاً توجّه کردن غلط است و  
فقط باید به نمازش پردازد و به طواف پردازد و به  
امور دیگر پردازد، تا اینکه بتواند آنجا آن آثار واقعی  
و حقیقی حج را به دست بیاورد. رفقا در آنجا فقط  
به اذکار توجّه داشته باشند؛ قبل از تشرّف و وقتی که  
می خواهید مشرّف شوید، اوّل غسل توبه کنید و  
دستور توبه را به همان کیفیت که هست انجام  
بدهید،<sup>۲</sup> و شرط کنیم که از آن لحظه - حتی قبل از

---

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۴۰.

۲. رجوع شود به الإقبال، ج ۲، ص ۲۰؛ مطلع انوار، ج ۴، ص ۱۱۲.



سفر - ارتباطات خودمان را و وضعیّت خودمان را [تصحیح کنیم] و دیگر به هر چیزی گوش ندهیم، دیگر به هر چیزی توجّه نکنیم، دیگر با هر کسی صحبت [نکنیم] و آن صحبت‌هایی که انسان احساس می‌کند مضرّ است نباشد؛ حتی برای نماز هم این طور داریم و نماز این طور نیست که زود وضو بگیرید و سجاده‌تان را پهن کنید و...! نه، چند دقیقه‌ای بنشیند و توجّه پیدا کنید. خب این عبادت، عبادت بسیار مهمی است و عبادت حج، عبادتی است که خدای متعال همهٔ بندگان خود را آورده است؛ باید توبه کنید و طبق آن شرایط توبه انجام بدهید.

## حقیقت اعمال حج، تسلیم شدن به امام

### حیّ

افرادی زودتر به مدینه می‌روند، و بعضی از افراد هم اوّل به مکه می‌روند و بعد به مدینه می‌روند، هردوی آن خوب است و فرق نمی‌کند؛<sup>۱</sup> البته چنانچه در روایات داریم مدینه بعد بهتر است، که انسان اوّل

---

<sup>۱</sup>. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۱۹.

اعمال را انجام بدهد و بعد به مدینه برود و رسول  
خدا را زیارت کند؛<sup>۱</sup> به طوری که طبق فرمایش امام  
باقر علیه السّلام که فرمودند:

مردم مأمور شدند که به حج بروند و دور این  
سنگ‌ها طواف کنند و بعد بیایند ولایتشان را  
به ما عرضه کنند!<sup>۲</sup>

این مهم است! طواف کردن دور کعبه بدون امام،  
معنا و فایده‌ای ندارد و حقیقت این طواف و حقیقت  
این اعمال تسلیم شدن به امام حیّ و امام زمان است!  
این معنای آن است؛ و اگر انسان بخواهد به آنجا برود  
و غافل باشد و خود را تسلیم ولایت نکند و در نفس  
خودش نسبت به امام زمانش استقلال و انانیت  
احساس کند، نصیبی نبرده است و نصیب او خیلی  
اندک خواهد بود! ما که به آنجا می‌رویم، باید از خدا  
بخواهیم که ولایت حضرت را نصیب ما کند و  
بندگی او را برای ما به وجود بیاورد؛ بندگی واقعی‌ای  
که شناخت و معرفت او است، نه اینکه سینه‌زدن و  
مدام هیئت راه انداختن و از این مراسم ظاهری

---

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۲۰.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۲۱؛ بحار الأنوار، ج  
۹۶، ص ۳۷۴.

و... [برپا] کردن! نه، حقیقت او و شناخت او و معرفت او [را نصیب ما کند] که معرفت او عین معرفت الله است و طریق معرفت الهی، حرکت و تسلیم به امام حیّ است؛ امام حیّ، امام زمان است. مسئله این است. البته بعضی‌ها هم مدینه قبل را ترجیح می‌دهند، از باب اینکه اگر انسان اوّل با آن عظمت و جلال و ابّهت اعمال و خود کعبه مواجه شود، بعد شاید نفس او نسبت به زیارت‌های رسول خدا و حضرت فاطمه زهرا و ائمه بقیع علیهم السّلام، آن موقعیت خاص را نداشته باشد! علی‌کلّ حال هردوی آن خوب است و هردوی آن مستحسن است و اشکالی هم ندارد.

### اهتمام بر توجه به باطن و روح اعمال حج

رفقا در مکه باید خیلی متوجّه نفسِ توجّه باشند؛ البته بنده نمی‌گویم که انسان نسبت به اعمال و رفتار بی‌توجّه و لاأبالی باشد! باید اعمال را صحیح انجام داد و درست انجام داد و طبعاً کسی که می‌خواهد یک‌هم‌چنین سفر با این اهمّیت و ارزش را انجام بدهد، از نظر ظاهر هم رعایت شرایط حرم و بارگاه

پروردگار را می‌کند و با هر لباسی نمی‌رود و خود را به هر قیافه و شکلی در نمی‌آورد؛ باید اعمال و رفتار صحیح باشد و درست باشد. منتهی باید توجه بیشتر به باطن مسئله و کیفیت این اعمال و روح اینها باشد؛ وقتی که می‌خواهیم طواف کنیم، ببینیم برای چه طواف می‌کنیم و مقصود از این طواف چیست؟ هفت‌دوَر گشتن دور کعبه، اشاره به هفت مرتبه از مراتب عالم وجود دارد؛ آسمان مادّه، ملکوت، جبروت، لاهوت و... که همه این عوالم وجود به‌دور کعبه که ممثّل عالم فنا و ذات پروردگار است می‌گردند و در نهایت منتهی می‌شود به همان ذات پروردگار که معرفت حضرت حق است.

انسان باید به این توجه داشته باشد و باید بداند که کعبه، تمثیل همان حقیقت پروردگار است و معنای اینکه دارد با دو تا پیرهن با دو تا لباس و با دو تا حوله این کار را انجام می‌دهد، این است که باید در اینجا خودش را از هر تعلّقی در دنیا آزاد کند! در ایران هرچه بود، بود و تمام شد! آن ایران بود؛ بیا و برو و سلام و صلوات و بالا و پایین کردن و بفرمایید و بنشینید و بالا و تعظیم و تکریم و تجارت و کسب

و شریک و احترام و شخصیت، تمام شد! وقتی که شما سوار طیاره می‌شوید، دیگر باید همه را کنار بگذارید، فقط خودتان را با آن دو تا حوله فرض کنید که با آن دو تا حوله می‌خواهید سوار هواپیما بشوید! دیگر نه کسی به شما سلام می‌کند، نه به شما احترام می‌کند؛ آیا در آنجا جلوی انسان تعظیم می‌کنند؟ نه، این‌طور نیست.

اگر ما اینجا در خیابان یا جلسه‌ای با عمامه باشیم، بلند می‌شوند و می‌نشینند و چه می‌کنند! ما آنجا در عرفات از جلوی بعضی از دوستان رد می‌شدیم و ما را نمی‌شناختند! و کاری هم نمی‌کردیم که متوجه بشوند، سعی می‌کردیم به حال خودشان باشند؛ چرا؟ چون مثل بقیه هستیم، نه عمامه‌ای داریم و نه...! البته ما حوله نمی‌انداختیم، همین پارچه سفید داشتیم، دو تا داشتیم؛ دیگر با این دو میلیون جمعیت هیچ تفاوتی نداریم! و لذت آن هم همین است؛ آنجا اگر بیایند و سلام کنند، دیگر فایده و خاصیت آن از بین می‌رود و آن هم می‌شود همین‌جا! آن هم می‌شود اعتبارات همین‌جا! آن هم می‌شود گرفتاری‌ها و

بدبختی‌هایی که خودمان را در این منجلاب فرو کرده‌ایم و در نمی‌آییم! شد همین جا! باید آنجا کسی آدم را نشناسد، باید انسان ناشناس باشد، باید انسان در آنجا به حال خودش باشد؛ آمدن و نشستن و گعده کردن و افراد را به دور خود جمع کردن و برای آقا حریم درست کردن و ایشان با افراد بیایند و در یک گوشه از عرفات [اجتماع] کنند، همه اینها شیطان است! شیطان در عرفات هم می‌آید، بله! می‌آید؛ حالا خدمتتان عرض می‌کنم؛ در منی هم می‌آید، در عرفات هم می‌آید، شیطان همه جا می‌آید! منتهی آن موقع زور شیطان به عبا و عمامه و کراوات - البته کراوات که حرام است<sup>۱</sup> - غیر حرام: کت و شلوار و ... نمی‌رسد، با حوله احرام می‌آید، با لباس کتان و از این چیزها می‌آید، با دعای بعد از ظهر روز عرفه می‌آید، با اذکار می‌آید. شیطان خیلی دم و دستگاه دارد، خیلی پرونده‌ها دارد که

---

<sup>۱</sup> . جهت اطلاع از بعضی از ادله حرمت استفاده از کراوات، رجوع شود به الکافی، ج ۶، ص ۵۳۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۰؛ المحاسن، ج ۲، ص ۴۱۰؛ دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۵۱۳؛ الخصال، ج ۲، ص ۴۹۸؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳؛ نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۴۷۱ و ۵۰۶؛ عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۶۵.

هنوز یکی از آنها را برای ما باز نکرده است! ما در پروندهٔ اوّل او بار زمین می‌گذاریم؛ پرونده‌ها را هنوز باز نکرده است. قشنگ به آنجا می‌آید. در عرفات که نشسته‌ای برو تنها یک گوشه بگیر و بنشین، یعنی چه دور خودت افراد را جمع کرده‌ای؟ این بیچاره‌ها را برای چه معطل خودت کرده‌ای؟ افراد را رها کن بگذار بروند به خدایشان برسند، بگذار بروند به کارشان برسند؛ چرا دور خودت جمع می‌کنی؟ چرا دور نفست جمع می‌کنی؟ چرا دور شخصیت جمع می‌کنی؟ تو شخصیت خودت را از آنجا به اینجا آورده‌ای و دست بر نداشته‌ای؛ اینها را هم گرفتار کرده‌ای و اینها را هم نمی‌گذاری به آن نور برسند! خیلی مسئله، مسئلهٔ مشکلی است!

رفقا آنجا هر کسی دنبال کار خودش برود، دنبال حال خودش برود؛ کسی که می‌خواهد برود، برود و دیگری را صدا نکند! حالا سر آن درد می‌کند و نمی‌خواهد برای طواف بیاید، نمی‌خواهد برای زیارت بیاید، خب در منزل بخوابد و وقتی که استراحت کرد بلند شود و برود؛ کسی کاری به کسی

نداشته باشد. اجتماع خوب است، نمی‌گویم نباشد، در همان مستجار، در این طرف و آن طرف، در جای دیگر، با هم رفتن و زیارت کردن خیلی خوب است؛ ولی نه اینکه این رفتن باعث تحمیل بر فرد دیگری بشود! الآن حال او مساعد نیست، خب مساعد نیست؛ اینکه بخواهد تحمیل بشود صحیح نیست.

در اعمال، متوجّه فلسفه عمل بشویم که چرا باید پشت مقام ابراهیم بایستیم و نماز بخوانیم؟ یعنی با اینکه مسجد الحرام مال خدا است، باید پشت مقام، یعنی جای پای حضرت ابراهیم بایستی و نماز بخوانی - اگر رفقا به آنجا رفتند ببینند، جای پای حضرت ابراهیم در آنجا است و عجیب این است که روایت داریم این گودی که الآن هست دست‌ساز نیست، این گودی که الآن به اندازه دو تا پا روی سنگ هست، به اعجاز الهی این سنگ نرم شده است و جای پای حضرت که با نعل هم بوده‌اند گذاشته شده است؛<sup>۱</sup> مشخص است که با نعل است نه با انگشت، حال یا موزه‌ای<sup>۲</sup> پای ایشان بوده است یا

---

۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۲۳؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۴.

۲. لغت‌نامه دهخدا: «یک نوع پافزار که تا ساق پا و زیر زانو را می‌پوشاند و



چیز دیگری بوده است - چرا؟ چون این قدم محترم بوده است! این قدم برای ما برداشته شده است! او با این پا کعبه را ساخته است! و باید پشت او ایستاد، نباید جلوتر از او ایستاد، باید پشت او نماز خواند و طواف را با انجام نماز که یک عمل عبادی است و یک فعلی است که انسان برای تقرّب به او انجام می‌دهد [به جای آورد!] طواف با نماز فرق می‌کند؛ می‌گویند بیا طواف را در مقام ابراهیم انجام بده<sup>۱</sup> و نماز را برو پشت مقام ابراهیم بخوان! باید به پشت بروید.

چرا ما باید سعی بین صفا و مروه کنیم؟ چون ما داریم دنبال حضرت هاجر می‌رویم! سعی صفا و مروه، یعنی ما باید دنبال یک زن حرکت کنیم؛ چون حضرت هاجر برای خدا [آمده بود] و نفس او در آن موقع نفس الهی بود، نفس او دیگر نفس زنانگی نبود، نفس او نفس حیوانی نبود؛ می‌دانید معنای این کلمه چیست؟ حضرت هاجر که بیخود حضرت

---

چکمه نیز گویند.»

<sup>۱</sup>. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۳۵۰ و ۳۵۱.

هاجر نشد! شما تصوّر کنید یک مردی - در این دنیا پیدا کنید! - به زن خود بگوید: بیا برویم هرکجا که خدا گفت! نمی گوید برویم در یک جای [مشخص و خوش آب و هوایی!] از فلسطین حرکت می کند و پانصد فرسخ یک زن را می آورد در یک نقطه ای که به اندازه یک میلیارد در آنجا احتمال حیات نمی رود! شما الآن نگاه به این ساختمان های مکه نکنید، در آن زمان غیر از کوه های سیاه و آفتاب شصت درجه هیچ نبود! یک بیابان! حضرت هاجر در دربند و شمال و رامسر که نبود! آورد، حرکت کرد، آمد، آمد، آمد، حالا حضرت هاجر به جای خود و یک قنடை بچه شیرخوار هم به جای خود!

- خدا گفته است ما شما را ببریم!

- می خواهی کجا ببری؟

- نمی دانم!

اصلاً یک سؤال نکرد که برای چه؟ کجا؟ چطور؟

قضیه این طوری است؟! هیچ! ولی چون می داند

حضرت ابراهیم پیغمبر است و می داند حضرت

ابراهیم از طرف خود نمی گوید - آن هم بالأخره پدر

است! پدر اسماعیل است - حرکت می کند، می آید،

می آید، همین طور آبادی‌ها را رد می‌کند؛ [می‌گوید:]  
 همین طور از آبادی رد شدیم! همین طور سبزه‌ها را  
 رد کردیم! شهرها را رد کردیم! داری ما را کجا  
 می‌بری؟ آمد، آمد، آمد، تا رسید به یک جا وسط کوه!  
 گفت: خدا حافظ شما! عجب! یک مگس به عنوان  
 نمونه حیات روی آسمان نبود! ولی حضرت ابراهیم  
 می‌گوید من باید بروم؛<sup>۱</sup> خیلی عجیب است! خیلی  
 عجیب است! اینجا از آن جاهایی است که دیگر عقل  
 انسان کار نمی‌کند!

### دَم درویشی حضرت ابراهیم به خلائق

در سوره ابراهیم، آن آیات [راجع به] حضرت  
 ابراهیم را بخوانید: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا  
 الْبَلَدَ آمِنًا﴾<sup>۲</sup> این آیات و همین طور آیاتی که در سوره  
 بقره است<sup>۳</sup> را حتماً رفقا بخوانند و به معنا و ترجمه

۱. رجوع شود به تفسیر القمی، ج ۱، ص ۶۰ - ۶۲.

۲. سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۳۵.

۳. سوره بقره (۲) آیه ۱۲۴ - ۱۳۱:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ ۖ فَاتَمَمَّنَّ ۚ قَالَ إِنَّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۗ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ \* وَإِذْ جَعَلْنَا

آلَ بَيْتِ مَثَابَةَ لِّلنَّاسِ وَأْمَنَّا وَاتَّخِذُوا مِن  
 مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهِدْنَا إِلَى  
 إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ  
 وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ \* وَإِذْ قَالَ  
 إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا  
 وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ  
 بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ مَأْتِيهِمْ خَيْرٌ قَالَ وَمَنْ  
 كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ  
 النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ \* وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ  
 الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا  
 إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ \* رَبَّنَا وَاجْعَلْ  
 لَنَا مَسْجِدَ لَدُنْكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً  
 لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ  
 التَّوَّابُ الرَّحِيمُ \* رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا  
 مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ  
 الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ  
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ \* وَمَنْ يَرْغَبْ عَن مِّلَّةِ  
 إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ  
 اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ

آن توجه کنند و چه خوب است که حفظ کنند و در آنجا این آیات را با خودشان ترنم کنند و زمزمه کنند؛ عجیب است! خیلی عجیب است! خیلی عجیب است! من اگر بخوام وارد این بحث بشوم اصلاً دیگر به طور کلی مطلب کنار می‌رود، ولی ای کاش از اول یک قدری راجع به این آیات صحبت می‌کردیم؛ خیلی عجیب! اینجا چه دعاهایی می‌کند و چه مسائلی دارد! «خدایا اینها را چه کن، خدایا ذریّه اینها را چه کن، خدایا اینهایی که بعداً به اینجا می‌آیند را چه کن، اینها را مسلم قرار بده، اهل صلات قرار بده، اهل معرفت به خودت قرار بده!» که مرحوم آقا می‌فرمودند:

تمام افرادی که از زمان حضرت ابراهیم (و حتی قبل از آن! مسئله، مسئله قبل و بعد نیست) تا روز قیامت به مکه بروند، به خاطر همان یک نفس و دعاهای حضرت ابراهیم در آن موقعی است که می‌خواست به فلسطین برگردد!

---

لَمِنَ الصّٰلِحِيْنَ \* اِذِ قَالَ لَهُ رَبُّهُ اَسْ اَلَمْ اَقَالَ  
 اَسْ اَلَمْ اَتُ لِرَبِّ اَلْ اَلْعَلَمِيْنَ ﴿۴۵﴾

و هر کسی به مکه مشرف شود، معلوم است که به اجابت رفته است! این اجابتی که الآن دارد شما را می برد؛ اگر ندای حضرت ابراهیم نبود، شما امسال نمی رفتید! اگر خودتان را هم می کشتید نمی رفتید! آن ندا باعث شد که نفوس را حرکت بدهد و قلوب را حرکت بدهد و همه را به آنجا بکشاند؛ به قول مرحوم آقا که می فرمودند:

حضرت ابراهیم یک دم درویشی به همه خلایق

زد! (می گفتند:) نفس درویش حق است!

اینکه می گویند نفس درویش حق است، راجع به

[این است!] حضرت ابراهیم آمد و این حرکت را

به وجود آورد و باید همه به دنبال او بروند. حضرت

هاجر را آورد و اینجا گذاشت؛ حضرت هاجر دیگر

در اینجا از خود بیرون آمده است، نفس او نفس الهی

شده است و کاری که برای احیای بچه انجام می دهد

[عجیب است!] مدام به این طرف می رود، مدام

می آید، مدام به دنبال آب می رود، خیال می کند آب

است دوباره برمی گردد، دوباره می آید، هفت مرتبه

می رود و می آید، تا اینکه آن جریان پیش می آید و به

معجزه خدای متعال آب از زمین جوشش می کند!

حال ما باید پایمان را جای پای یک زن بگذاریم و هفت مرتبه سعی صفا و مروه انجام دهیم برای رسیدن به آب، برای رسیدن به چشمه حیات، برای رسیدن به آن حقیقت توحید که وقتی آن حقیقت بیاید و بخورد، انسان سیراب می شود و دیگر از همه اعتبارات و همه آنچه که در این دنیا است دست می شوید و به همه می خندند، اصلاً به همه چیز می خندد و همه را کنار می گذارد! ما باید الآن به این نحو به این قضیه متوجه باشیم؛ باید در رفتن به عرفات متوجه باشیم؛ البته رفقا حتماً آن نوارها را گوش می دهند و یا توجه کرده اند که رفتن به عرفات خیلی مهم است و مقدمه حرکت به سوی حرم پروردگار است و همین طور نسبت به مشعر که وارد مشعر می شوید، در آنجا دیگر وارد حرم می شوید؛ دیگر نسبت به اعمال و... رفقا و دوستان بیایند و از رفقا استفاده کنند و خصوصیات و معنویات و فلسفه این مطالب را از دوستان بهره بگیرند.

---

۱. رجوع شود به مجالس قبل.

## بیان برخی از آداب و احکام حج

در طواف - همان طوری که بارها عرض کرده‌ام - فقط متوجه حال خودتان باشید، سرتان را پایین بیندازید، کسی به شما شانه زد اشکال ندارد، کسی شما را هل داد عیب ندارد، شانه شما از کعبه برگشت عیب ندارد، دودوَر هم دور خودتان چرخیدید عیب ندرد، اینها هیچ اشکال ندارد، فقط باید متوجه باشید که هفت دوَر بگردید؛ نماز هم به همین کیفیت و مثل همین نماز است و نیابت نمی‌خواهد، مثل نماز صبح است! منتهی سعی کنید که حمد و سوره خودتان را بهتر کنید؛ آقایان و رفقا هستند، بیایید حمد و سوره خودتان را بخوانید و بهتر کنید که انسان بهتر انجام بدهد، ولی نیاز به نیابت ندارد و هر کسی نماز خودش را بخواند؛ نماز طواف و طواف نساء هم همین‌طور است، هرکسی برای خودش نماز می‌خواند و دو رکعت هم بیشتر نیست. خوب خصوصیات دیگر بماند و دوستان در آنجا هستند و پاسخ می‌دهند.

نسبت به رمی، آن کسی که نمی‌تواند سنگ بزند وکالت بدهد؛ مخصوصاً اگر خانم‌ها در روز اوّل



احساس می‌کنند که شاید مشکل پیدا شود، بنده صلاح نمی‌دانم که آنها در روز اوّل بروند! حالا وضعیّت امسال را نمی‌دانم به چه نحوی است، ولی وضعیّت پارسال بسیار وضعیّت سنگینی بود و من دو تا از مخدرّات را که همراه ما بودند نگذاشتم سنگ بزنند و اقبای آنها و دوستان، عوض آنها رفتند و سنگ زدند؛ و از این نقطه نظر هیچ اشکالی ندارد و ثواب آن هم یکی است و هیچ تفاوتی ندارد. مطلب دیگر نسبت به سنگ است؛ رفقا حتماً سنگ را از مشعر جمع کنند! گرچه اشکالی ندارد که انسان از مکه هم سنگ بردارد، ولی چون انسان نمی‌تواند سنگ و اشیاء حرم را از حرم خارج کند، برای رفتن به عرفات این سنگ را با خودش می‌برد و این حرام است و انسان نمی‌تواند سنگ را ببرد! من پارسال می‌دیدم که از طرف بعثه افراد را توصیه کرده بودند و می‌رفتند از همین کوه‌های مکه سنگ برمی‌داشتند و تازه آن را هم می‌شکستند و چند تگّه می‌کردند! تازه شکستن آن هم اشکال دارد! نه خیر، بردن سنگ به بیرون از مکه حرام است و انسان نمی‌تواند ببرد؛

بله، اگر برای روزهای دیگر و برای روز یازدهم و دوازدهم که از مکه می‌آید و می‌خواهد به منی برود، اشکال ندارد که از مکه سنگ بردارد و برود منی بزند؛ چون منی متصل به خود مکه است و دیگر از حرم خارج نمی‌شود. ولی علی‌کلّ حال مستحب مؤکّد است که انسان سنگ‌هایش را از مشعر جمع کند و سنگ‌های مُنْقَط و نقطه‌نقطه باشد، نقطه سیاه و سفید داشته باشد و به اندازه یک بندانگشت یا کوچک‌تر باشد، زیاد بزرگ نباشد که یک وقتی برای دیگران تولید زحمت نکند. سنگ را در همان‌جا جمع می‌کنید.

اگر رفقا می‌خواهند از عرفات به مشعر بروند، من صلاح می‌دانم که پیاده بروند، مگر اینکه شخصی مریض و ناتوان باشد؛ ده کیلومتر بیشتر نیست، یا فوق آن یازده کیلومتر است، که البته بعید است، احتمالاً همان ده کیلومتر است. پیاده و کم‌کم بروند و آنجا هم همه وسایل هست، دستشویی‌های متفاوت هست، آب خنک هست؛ و آن نیروهای امنیتی کاملاً مسلط هستند و در آنجا بسیار خوب مراقبت می‌کنند و محافظت می‌کنند و واقعاً به

حجاج رسیدگی می‌کند، واقعاً رسیدگی می‌کند. چه اشکال دارد که انسان پیاده برود؟ ثواب آن هم بیشتر است و چند جا استراحت کند. ما پارسال به ابتلائی مبتلا شدیم که فقط سه ساعت متوقف شده بودیم و در میان ماشین‌ها محصور شده بودیم و دود می‌خوردیم، جداً فقط ما سه ساعت یا بیشتر در یک نقطه ایستاده بودیم و همهٔ این ماشین‌ها روشن بود، و آنجا برای خیلی‌ها اصلاً وضعیّت خطر پیش آمد؛ و بعد هم که حرکت کرد، تا نیمهٔ راه یا کمتر که رفتیم اصلاً راه بسته شد و ما پیاده شدیم و تتمهٔ را [پیاده] رفتیم و اصلاً هم خسته نشدیم! دو جا نشستیم و عرض کردم که همه‌گونه وسایل هست. حتی در آنجا از همین مسائل غذایی و خوراکی‌ها هم به افرادی که در طریق مُشات - که طریق پیاده‌ها است - هستند می‌دهند. فردا که بقیهٔ افراد را در منی دیدیم گفتند: ای کاش ما هم مثل شما پیاده رفته بودیم و به چه روزی افتاده بودیم! و حتی وقوف مشعر داشت از آنها فوت می‌شد! وقوف در مشعر آنها به خاطر همین توقّفی که در آنجا داشتند، داشت از بین

می‌رفت. و اگر یک مقداری دیرتر حرکت کردید، یا اگر زود هم حرکت کردید، بیایید در خیمه و روز دهم غسل کنید؛ غسل روز دهم (عید قربان) بسیار مستحب است<sup>۱</sup> و نماز عید قربان را هم بخوانید. یک قدری استراحت کنید - دیر نمی‌شود - و برای نزدیک ظهر به سوی سنگ‌زدن حرکت کنید، چون سنگ و رمی آن روز خیلی [مهم است] و مسئله مهم برای آن روز فقط رمی است؛<sup>۲</sup> یعنی کثرت جمعیت [ممکن است موجب زحمت شود!] فردا و پس‌فردای آن خیلی [شلوغ] نیست و چندان مهم نیست، خلوت است، چون وقت زیاد است. بعد برای سنگ حرکت کنید و آن وقت دیگر سایر مسائل را انجام بدهید.

اگر تا موقع غروب قربانی را انجام دادند، می‌توانید حلق کنید و سر را بتراشید، و خانم‌ها هم می‌توانند تقصیر کنند، موی خود را یک قدری بزنند یا ناخن بگیرند؛ و اگر این کار را نکردید دیگر در شب نمی‌شود! اگر تا شب شد [انجام بدهید و الا]

---

۱. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۰۳ - ۳۰۷.

۲. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۳.

دیگر در شب حلق نکنید، روز یازدهم سر را بتراشید و تقصیر را هم در روز یازدهم انجام بدهید. یا اینکه اگر آن روز موفق به ذبح نشدند، باز اشکالی ندارد، یک شب بیشتر در احرام بمانید، چه بهتر! خود ما هم همین‌طور، یک شب در احرام بودیم، ما شب یازدهم هم در احرام بودیم؛ چون خیلی شلوغ بود و گرچه بعد از ظهر قربانی شد، ولی به ما دیر خبر رسید و لذا ما در روز دهم، دیگر دیدیم غروب است و حلق نکردیم و سر نتراشیدیم و گذاشتیم روز یازدهم حلق کردیم و از احرام درآمدیم. اگر در همان روز حلق انجام شد، این‌طور که نقل می‌کنند از نیمه شب به بعد، نسبت به فردا مکه و مسجدالحرام خلوت‌تر است، بهتر است که در همان نیمه شب [به مکه بروید؛] ولی تا نیمه شب حتماً باید در منی وقوف داشت و بعد انسان به آنجا برود.

این مسائلی مربوط به حج بود، و البته مسائل مربوط به مکه خیلی زیاد است و من امروز فقط خواستم نسبت به مسئله و روحانیت حج و خصوصیت آن خدمت رفقا تذکر بدهم، و اینکه رفقا

متوجه باشند که خلاصه ممکن است این توفیق کم نصیب کسی بشود! حال که نصیب شده است، قدر بدانید و این را یک عمل عادی نپنداریم؛ عمل بسیار مهمی است که کسی بتواند ولی انجام ندهد، ملائکه در هنگام احتضار به او می‌گویند: «یا یهودی و یا نصرانی بمیر! تو بر دین محمد نمرده‌ای!» التفات کردید؟ مسئله این است و این قدر قضیه، قضیه مهمی است. آن وقت ما بیاییم این حج را با ظاهرسازی و رسیدن به مسائل عادی و این گرفتاری‌ها [خراب و مشکل] کنیم! بسیار حج راحت است، بسیار آسان است، بسیار گواراست، بسیار لذت‌بخش است، خیلی حج عالی است، خیلی! اصلاً نباید دغدغه و فکری کنیم و بزرگ جلوه دهیم و آن را به صورت یک غولی دریاوریم که هرچه زودتر از شرّ این غول راحت شویم! البته سختی دارد، من نمی‌گویم [سختی ندارد!] بالأخره حرکت دارد، پیاده دارد، مخصوصاً آن سه‌روزی که این اعمال هست؛ ولی انسان می‌تواند طوری برنامه‌ریزی کند که خود را خیلی خسته نکند و خود را خیلی به تعب نیندازد، دلیلی ندارد که انسان [خود

## اهمیت و خصوصیات عرفات

در روایت داریم:

کسانی که عرفات را درک کنند و متوجه باشند، خداوند تمام گناهان آنها را همان طور که از مادر متولد شده‌اند می‌آمرزد! این مسئله است! وقتی که رسول خدا بعد از ظهر روز عرفه سوار بر شتر بودند و افراد و اصحاب هم آمدند و دور ایشان جمع شدند، مدام می‌آمدند سؤال می‌کردند:

ای رسول خدا، ما آن کار را کردیم! حضرت فرمودند: «اشکال ندارد!»

– آن کار را کردیم! «اشکال ندارد!»

– آن کار را کردیم! «اشکال ندارد!»

وقتی که همه را [جواب دادند] یک خطبه خیلی مختصری خواندند و در آخر آن فرمودند:

**أَفِيضُوا مَغْفُورًا لَكُمْ؛<sup>۱</sup>**

«ای مردم! به سمت مشعر حرکت کنید که خدا

همه شما را آمرزید!

<sup>۱</sup>. رجوع شود به مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۹ - ۳۲.

پیغمبر گفته است‌ها! پیغمبر فرموده است: «خدا همه را آمرزید!» پس قدر عرفات را بدانید! عرفات خیلی مهم است! با مشعر و منی و... تفاوت دارد؛ لذا کسی که عرفات را درک کند ولی نتواند مشعر را درک کند، از نظر فقهی حج او قبول است! حتی از نظر فقهی هم حج او مورد قبول است؛<sup>۱</sup> و دعای بعد از ظهر روز عرفه را فراموش نکنید.

این را هم خدمت رفقا عرض کنم که بدانید عرفه يك روز بیشتر نیست! با حرف و نقل و مسائل سیاسی و اخبار و فلان [وقت خود را نگذرانید!] بروید به يك جایی و يك مکان دوردستی، متوجه خودتان باشید و نگذارید که اوقاتتان با مطالب دیگر بگذرد و چیزهای دیگر به گوشتان بخورد. انسان بهتر است در روز عرفه خیلی مراقب باشد و مواظب باشد، بهتر است اصلاً از صبح جایی را اختیار کند که فقط متوجه باشد؛ کنار درختی، زیر سایه درختی، در عرفات جاهایی هست. مخصوصاً بهتر است که آن دعا را در کنار جبل الرحمة

---

<sup>۱</sup>. رجوع شود به تهذیب الأحكام، ج ۵، ص ۲۴۰؛ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۹۰؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۸۲ و ۸۳.



بخوانید، علی یسار الجبل، سمت چپ جبل،<sup>۱</sup> همان جایی که سیدالشهداء علیه السلام هم همان جا ایستاد و دعای روز عرفه را در آنجا خواند.<sup>۲</sup> از صبح به همان جاها بروید و يك چیزی هم با خودتان ببرید و در همان جا باشید؛ نمی گویم همیشه دعا و... بخوانید! نه، زیاد دعا خواندن هم خوب نیست؛ انسان متوجه باشد و خلاصه، دیگر باید با رفیق باشد! نباید خودش را با سایر مسائل و جریانات و... بگذراند؛ مخصوصاً يك هم چنین وضعیتی که دیگر برای انسان پیدا نمی شود.

باید عرفات در همان حالت معنوی خودش بماند و ما نباید کاری کنیم که این جنبه معنویت که برای همه افراد محسوس است، با مسائل دیگر از بین برود و به جای آن چیزهای دیگر قرار بگیرد! خدا از ما نمی گذرد و حواس خدا جمع است؛ ما را که به عرفات و... می برد برای توبه می برد، برای توجه

---

<sup>۱</sup>. رجوع شود به الکافی، ج ۴، ص ۲۵۸.

<sup>۲</sup>. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۴ - ۴۵.

می‌برد، این حرف‌ها این طرف و آن طرف زیاد شنیده می‌شود، این مسائل هر روز هست، این مطالب هر روز هست و تمام عالم را پر کرده است! ولی عرفات نیست و حال در عرفات نیست! توجّه و توبه واقعی در روز عرفه اثر حیاتی و سازندگی برای ما دارد، به خصوص در روز عرفه! رفقا دعای روز عرفه و زیارت سیدالشهداء در شب عرفه و روز عرفه را فراموش نکنند. روز عرفه غسل دارد و غسل آن مستحب است؛<sup>۱</sup> آنجا هم از همین دوش‌ها هست و خیلی هم فراوان است، خیلی فراوان! صبح روز عرفه غسل کنند و روز عید قربان هم غسل دارد؛<sup>۲</sup> این دو روز را حتماً [غسل کنید!]

## حکایتی از غسل علامه طهرانی در روز

### عرفه

خود مرحوم آقا در آن سفری که با ایشان مشرف شدیم، در روز عرفه و عید قربان به من گفتند که: «آفتابه را بردار بیاور، آب کن و بیا بیرون برویم!» ما هم آفتابه را آب کردیم و با مرحوم آقا بیرون رفتیم و

---

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۵۲۹ و ۵۳۰.

۲. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۰۳ - ۳۰۷.

از خیمه‌ها دور شدیم، قبل از ظهر روز عرفه بود، ما آب می‌ریختیم و ایشان غسل می‌کردند؛ یک آفتابه هم نشد! من الآن دارم [می‌گویم!] ایشان با دوسوم یک آفتابه این قدری غسل کردند؛ یک تن و هشتصد لیتر آب مصرف نکردند! از یک آفتابه، دوسوم آن را مصرف کردند و بقیه را ما ریختیم و خودمان هم یک آدا در آوردیم. روز عید قربان هم همین طور، با ایشان به همین کیفیت به بیرون خیمه‌ها رفتیم و غسل کردند. خیلی مهم است! یعنی ممکن است یک غسل روز عرفه خیلی مهم باشد؛ نگوئیم فقط یک غسل [است و مهم نیست!] نه، اینها مسائلی است که مهم است. یک دفعه می‌بینی یک فیض مهم با از دست دادن یک غسل از انسان سلب شد! مسئله خیلی مسئله مهمی است و انسان باید به این مطالب برسد، باید به این قضایا برسد.

و در آنجا هرچه مسکنت هست، ما او را به خدا عرضه کنیم! هرچه اینجا داشتیم، آن را کنار بگذاریم! هرچه بیشتر بگوئیم: خدایا، خلاصه ما همین هستیم! مال بد بیخ ریش صاحبش است! دیگر همین

است و غیر از این هم از ما بر نمی آید. هنر ما در زشت بودن و ناسپاسی کردن و مخالفت بنده با مولا است، این هنر ما است! هنر مولا عفو و بخشش و رحمت و مغفرت و این مسائل است؛ این جهت را خیلی ملاحظه کنید.

### توصیه‌هایی در زیارات مکه و مدینه

در مکه، مسئله توحید را خیلی در نظر داشته باشیم و در مدینه، به رسول خدا خیلی توجه کنیم؛ مرحوم آقا می فرمودند:

هر قدمی که در مدینه برمی دارید، بدانید که این

قدم را یک روز پیغمبر در آنجا برداشته است!

به این طرف و آن طرف نگاه نکنید، در حرکت به

اذکار توجه داشته باشید، ذکر صلوات خیلی خوب

است؛ ذکر لا إله إلا الله، الله أكبر، حسبى الله، لا حول

و لا قوة إلا بالله و اذکار توحیدی، اینها اذکاری است

که انسان هم در مکه و هم در مدینه، در جای جای

مختلف، این اذکار را خیلی انجام بدهد؛ و همین طور

نسبت به مدینه، توجه داشته باشیم که بیشتر اوقاتمان

را در مسجدالنبی بگذرانیم، مساجدی که در آنجا

هست، مسجد قبا خیلی مهم است؛ اینها یک مرتبه

انسان را می برند، ولی چند مرتبه بروید؛ مسجد مباهله

که به آن مسجد الإجابة می گویند خیلی مهم است. مسجد ردّالشمس هم بروید که الآن دیگر کاملاً تخریب کرده اند و هیچ اثری از آن نیست! ولی مشخص است و رفقای که رفته اند اطلاع دارند و بعضی از رفقا که سفر دوّم آنها هست لابد طبعاً مطلع هستند؛ آنجا بروید و حتماً دو رکعت نماز در همان محل بخوانید. مسجد ردّالشمس مسجدی است که امیرالمؤمنین خورشید را برگرداندند؛ چون داشت نمازشان قضاء می شود و پیغمبر خوابشان برده بود، وقتی که حضرت بیدار شدند گفتند: «یا علی! نماز خوانده ای؟» حضرت عرض کردند: «نه!» گفتند: «چرا؟» عرض کردند: «اگر می خواستم بخوانم شما بیدار می شدید، لذا من نخواندم!» و خیلی عجیب است که امیرالمؤمنین چه مسئله ای [را مدّ نظر] داشتند! حضرت فرمودند: «بسیار خب! شما چون وصی هستی و نباید نماز وصی قضاء شود، اراده کن خورشید برگردد!» حضرت در آنجا اراده کردند و با انگشت [اشاره] کردند خورشید برگشت و تقریباً به فاصله یک ساعت از عصر مانده قرار گرفت؛ یعنی تقریباً در یک ارتفاع پانزده شانزده درجه ای همین طور ایستاد و حضرت نماز خواندند و بعد

دوباره گفتند: «حالا برو سر جای اولت و به بقیه زندگی و حرکت ادامه بده!» حتماً رفقا به آنجا بروند و دو رکعت نماز هم در آنجا بخوانند؛ در آنجا خیلی مکان، مکان عجیبی است و خیلی مکان، مکان نورانی است.

در مدینه نظر به رسول خدا باشد و در آنجا حضرت صدیقه کبری هم خیلی انسان را مورد عنایت خود قرار می‌دهد، خیلی عجیب است؛ در آنجا عنایت حضرت زهرا برای زوار و شیعیان کاملاً مشخص است. وقتی که رفقا به زیارت ائمه بقیع می‌روند حتماً کفششان را دریاورند، در قبرستان ائمه بقیع پابرهنه راه بروید، چه در کنار قبر ائمه علیهم السّلام و چه کنار قبر حضرت ابراهیم پسر پیغمبر، یا عثمان بن مظعون و ...؛ در قبرستان بقیع، همه ذراری پیغمبر و اصحاب خاص آن حضرت دفن شده‌اند. مرحوم آقا تمام قبرستان بقیع را با پای پیاده می‌رفتند. کفش را همان‌جا در کناری بگذارید یا اینکه دستتان بگیرید، علی‌کلّ حال متوجه این قضیه باشید. نماز زیارت را باید بعد بیرون بیاید و بخوانید. وقتی ائمه بقیع را زیارت می‌کنید، توجه

استقلالی به آنها نکنید! بلکه آنها را پسران پیغمبر و در تحت ولایت پیغمبر بدانید. در مدینه به پیغمبر فکر کنید، در مکه به خدا فکر کنید؛ این دو حالت باید محفوظ و مسلم باشد. البته دیگر خیال می‌کنم فرصتی برای ادامه نیست، حالا بنده سؤالاتی که شده است را می‌خوانم و اگر هم باز رفقا مطلبی و سؤالی به نظرشان می‌رسد، در حین اینکه جواب داده می‌شود سؤال کنند.

### پرسش و پاسخ

سؤال: موضوع حجاب خانم‌ها، آیا پس از برگشتن از حج حتماً بایستی چادر بپوشند یا پوشیدن مانتوی بلند و مقنعه اشکال ندارد؟

جواب: مسئله حجاب اختصاص به حج و غیر حج ندارد! حجاب عبارت است از پوشیدن لباسی که باعث شود حجم بدن زن محفوظ باشد و مشخص نباشد، و دوّم اینکه از نظر رنگ به نحوی نباشد که جلب توجه کند! البته در ایران به همین کیفیت چادر متعارف است و این را به عنوان حجاب پذیرفته‌اند، ولی این حجاب نیست! یعنی منحصر به

این نیست؛ در جاهای مختلف حجاب فرق می‌کند و تفاوت دارد. حجاب تنها به چادر نیست، بلکه چه قبل از حج و چه بعد از حج مانند مانتوی بلندی که کاملاً محفوظ باشد هیچ اشکالی ندارد.

سؤال: آیا پس از برگشتن از حج بایستی بسیاری از برنامه‌های قبل، من جمله مهمانی‌ها و آمدورفت‌ها ترک شود؟ و کلاً چه تغییری در رفتار ما پیدا شود؟

جواب: خیال می‌کنم این مطلب را هم بنده در همان صحبت‌های سابقم عرض کرده‌ام که حیف است انسان یک‌هم‌چنین جایی برود و بعد برگردد و بخواهد دوباره به زندگی قبلش [بپردازد!] واقعاً حیف است! حال اگر کسی می‌خواهد، انجام بدهد؛ بالأخره:

رگ رگ است این آب شیرین و آب شور \*\*\* در

خلایق می‌رود تا نفخ صور<sup>۱</sup>

هر کسی بر طبق خواست خودش کارهای خودش را انتخاب می‌کند و بر طبق مُدرکات خودش برنامه خودش را تنظیم می‌کند؛ حال اگر کسی صلاح

---

۱. مثنوی معنوی (آذر یزدی)، دفتر اول، ص ۳۶.



خودش را در این مهمانی‌های کذایی می‌بیند، [بعد از] برگشتن از مکه هم ادامه بدهد! اگر کسی صلاح نمی‌بیند، دیگر خودش می‌داند و نیازی به توضیح و تأکید ما نیست؛ این عبادت به این شکل است و اثر آن هم به این شکل است، و مرحوم آقا می‌فرمودند: حیف است که انسان از مکه برگردد و این حالت را حداقل برای یک مدتی برای خود حفظ نکند! بسیاری از رفقا و دوستان بودند که از مکه برگشتند و برای بنده نقل کردند:

ما بعد از برگشتن از مکه، به هر فردی که نامناسب بود برخورد می‌کردیم حال تهوع پیدا می‌کردیم و اصلاً از این قضیه می‌فهمیدیم که این شخص در چه وضعیتی است! بیرون می‌آمدیم و در خیابان [می‌رفتیم] حال تهوع پیدا می‌کردیم؛ در مسجد که می‌رفتیم و در منزل که می‌آمدیم خوب می‌شدیم! تا یک شخص می‌آمد و به ما تلفن می‌کرد یک‌دفعه حال تهوع [پیدا می‌کردیم!]

این چیست؟ اینکه دیگر چشم‌بندی نیست! اینکه دیگر تخیل نیست! چه حالی برای او پیدا شده است که الآن یک‌هم‌چنین وضعیتی دارد؟ حال دیگر

هر شخصی خود وظیفه خود را بهتر می داند.

سؤال: آیا همه خانم‌ها می‌توانند در شب عید

رمی جمرات کنند یا فقط افراد ناتوان شامل این حکم

هستند؟

جواب: این مسئله در شب عید، نسبت به پیر مرد

و پیرزن هَرَم و افراد ناتوانی است که اینها از رمی روز

عید عاجز هستند، اما در روایتی هم داریم که حتی

اگر برای زن‌ها مشکل است - که با وضعیّت حجّ

فعلی، مشکل هست - رفتن در شب اشکال ندارد؛

اما اگر شخصی بتواند صبح برود، احتیاط این است

که صبح این کار را انجام بدهد، ولی همان‌طوری که

عرض کردم با توجّه به سنوات گذشته و کیفیّتی که

در آنجا دیدیم می‌توانیم بگوییم که رفتن همه زن‌ها

در شب عید قربان بلا اشکال است! البته پس از اینکه

وقوف به مشعر را درک کنند.

سؤال: پیدا بودن گردی صورت خانم‌ها هنگام

نماز و طواف در موقعی که مُحَرَم نیستند، در

مسجد الحرام که مختلط است چه حکمی دارد؟ یا

شنیدن صوت قرآن توسط نامحرم؟

جواب: مسئله در غیر طواف فرق می‌کند، اما اگر

زن می‌تواند در جایی بایستد که به نحوی باشد... که فقط بتواند ببیند، حالا لازم نیست که کاملاً بپوشاند و پوشیه بزند، نه! انسان به یک نحوی خود را حفظ می‌کند که مشخص نیست؛ این هم اشکالی ندارد و حتماً داعی بر پوشیه زدن [نیست!] مخصوصاً در شب که طبعاً ممکن است انسان ناراحت شود و در آنجا هم دیگر کسی به کسی نیست، یعنی اگر شخصی برای نماز بایستد همه دنبال کار خودشان هستند و دلیلی ندارد که انسان خودش را برای این مسئله به حرج بیندازد.

شنیدن صوت قرآن توسط نامحرم اشکال ندارد؛ شنیدن صدای قرآن مرد برای زن اشکال ندارد ولی قرآن زن برای مرد اشکال دارد.

سؤال: در مدینه کاروان‌ها برای زیارت حضرت حمزه یا سایر مکان‌های مقدّس، مثل قبرستان ابی‌طالب می‌برند؛ برویم یا بهتر است در مسجدالنبی بمانیم؟

جواب: البته یک مرتبه رفتن که خوب است و انسان یک مرتبه برود و اینجاها را ببیند، بالأخره

مساجد را ببیند و از آثاری که در مدینه بوده تاریخ  
مدینه را متوجّه شود، مسائل گذشته را متوجّه شود؛  
انسان یک مرتبه برود، حالا خودش هم خواست بعد  
برود. نسبت به زیاد ماندن در مسجدالنبی هم افراد  
مختلف هستند و ممکن است شخصی خسته شود،  
علیٰ کلّ حال احتیاج به یک حرکت و تنوعی هست و  
هر کسی به حال خودش نگاه کند. این هم خدمت  
شما عرض کنم که تصوّر نشود که حالا مساجد دیگر  
اثر ندارد! حتی در همان سفری که با مرحوم آقا رفتیم  
- بنده در آن موقع هفده ساله بودم - سه مرتبه ما به  
مسجد قبا رفتیم؛ یک مرتبه کاروان برد و دو مرتبه  
دیگر هم با خود ایشان و به اتفاق رفقا رفتیم و آثار  
خیلی عجیبی دارد! به خصوص مسجد قبا آثار خیلی  
زیادی دارد. خب چرا رفقا از این مسئله محروم  
بشوند؟

سؤال: برائت از مشرکین در حج چگونه است و

یعنی چه؟

جواب: بنده در این باره عرضی ندارم.

سؤال: آیا به سودی که از سپرده هزینه حج به هر

زائری تعلق می‌گیرد و آن را از اضافی پولی که باید

برای حج پرداخت کنیم کسر می‌کند، خمس تعلق  
می‌گیرد؟

جواب: خیر.

سؤال: رفتن به حمام، شانه کردن و خشک کردن  
مو با علم به اینکه با این اعمال باعث ریزش مو  
می‌شود، در هنگام احرام چه حکمی دارد؟

جواب: شانه کردن اشکالی ندارد، ولی  
در صورتی که سفت نباشد و انسان سفت شانه نکند!  
ولی خود شانه کردن فی حدّ نفسه، اگر انسان خیلی  
آرام شانه کند ایراد ندارد و موهایی که ریخته می‌شود  
- توجه کنید! - اگر موهایی است که به آرامی ریخته  
می‌شود اشکال ندارد؛ ولی اگر انسان آن را بکند،  
یعنی پیاز مو کنده شود، ایراد دارد! ولی آنهایی که  
به حسب عادی [می‌ریزد] و اگر انسان هم نکند  
خودش می‌ریزد، از این نظر ایرادی ندارد؛ می‌گویند  
به حسب متعارف تقریباً روزی سی تا پنجاه عدد از  
موی سر انسان می‌ریزد. همین طور یک مسئله دیگر  
را هم تذکر بدیم: در وقتی که محرم هستید نگاه  
کردن به آینه اشکال ندارد؛ یک وقتی انسان صورتش

را در آینه می بیند که چه شکلی است، این ایراد دارد. یک وقتی نه، فرض کنید که آینه در اینجا است و انسان به آینه نظر می کند، این ایراد ندارد. دیدن آینه به عنوان اینکه انسان خود را ببیند اشکال دارد.

سؤال: حدود یک سال است که تقریباً یک الی دو هفته قبل از شروع آن عادات زنانگی، علائم آن از قبیل کسالت و خواب آلودگی را دارم، ولی احساس می کنم به این مسئله مبتلا شده ام؛ ولی متوجه می شوم که فقط علائم این علائم است و گاهی شروع، دو هفته به تأخیر می افتد. در مکه هم احتمالاً من هنگام اعمال این گونه خواهم بود، آیا قبل از روز عید با شک و احتمال [شروع عادت زنانگی] اعمال را انجام دهم یا ...؟

جواب: نه خیر؛ اعمال باید بعد از روز عید باشد و قبل از روز عید جایز نیست و نباید انجام بگیرد، ولی برای کسی که قطعاً بداند نمی تواند بعد برود انجام بدهد، می تواند اعمال را زودتر انجام بدهد. اما کسی که شک داشته باشد می تواند صبر کند و بعد از روز عید اعمال را انجام بدهد؛ اگر توانست صبر می کند، اگر نتوانست نیابت می دهد و نائب انجام

می‌دهد تا وقتی که کاروان‌ها حرکت می‌کنند.

سؤال: چه زمانی خانم‌ها از احرام حج تمتع

خارج می‌شوند؟ بعد از تقصیر یا بعد از قربانی؟

جواب: بعد از تقصیر؛ انسان قبل از تقصیر یا سر

تراشیدن در حال احرام است.

سؤال: نماز در شب عرفه چگونه است؟

جواب: این مسئله‌ای است که ما پارسال هم مبتلا

بودیم ولی فعلاً مسئله به این کیفیت است. البته بنده

نظر آقایان را در این قضیه نمی‌دانم و حال دیگر هر

شخصی در این مسئله به نظر مرجع تقلید خود

مراجعه کند؛ چون در اینجا اختلاف فتوا است. عرفه

در سابق چهار فرسخ با مکه فاصله داشت، بدین

جهت کسی که از مکه خارج می‌شد حکم مسافر پیدا

می‌کرد و نمازش شکسته می‌شد و می‌بایست در

شب عرفه نماز را شکسته بخواند؛ ولی فعلاً عرفات

تا مکه از چهار فرسخ کمتر است، یعنی از ۲۲ کیلومتر

کمتر است. بنابراین طبق نظری که فعلاً هست و

این‌طور که مطرح می‌شود، نماز را در شب عرفه و

روز عرفه، چون کمتر و مادون مسافت است، تمام

می خوانند؛ و در [شب] عرفه و فردای آن و مشعر و منی و همه اینها نماز تمام است. ولی به نظر بنده در شب اول که انسان وارد عرفات می شود نماز او تمام است، چون هنوز به حدّ مسافر و سفر نرسیده است؛ ولی از فردا، چون اقامت او قطع می شود و حکم مسافر پیدا می کند، نماز شکسته می شود. یعنی از روز عرفات و همین طور در مشعر و... نماز شکسته می شود؛ ولی خب داعی نیست که انسان طوری وانمود کند که باعث سؤال برای افراد دیگر بشود. روی این جهت همان طوری که عرض کردم هر کسی باید به مرجع تقلید خودش در این قضیه مراجعه کند.

سؤال: چرا انسان قبل از تشرّف به محل زیارت اشتیاق فراوان دارد ولی هنگام زیارت اشتیاق او کم می شود؟

جواب: این به خاطر حضور در آنجا است و هیچ اشکالی پیش نمی آید. وقتی که انسان در آنجا حاضر می شود، کأن وقتی که به مطلوب می رسد آن اشتیاق یک قدری فروکش پیدا می کند و این یک مسئله طبیعی است که به نفس مربوط است؛ ولی



درعین حال انسان باید به تکلیف خود پردازد و نباید به حال خود و اشتیاق خود توجه داشته باشد.

سؤال: تکلیف ما برای نماز صبح که در هواپیما هستیم و اذان ایران نشده است و معلوم نیست تا قبل از طلوع آفتاب به مدینه منوره برسیم چیست و نماز به چه صورت خوانده می شود؟

جواب: انسان باید در همان موقع در هواپیما نماز بخواند؛ وقتی انسان در حال پرواز احساس کند که طلوع فجر شد، همان موقع می تواند نماز بخواند ولو اینکه نیم ساعت بعد هم به فرودگاه برسد.

سؤال: در حال احرام پاک کردن صورت و اشک چشم و بینی چه صورتی دارد؟  
جواب: اشکال ندارد.

سؤال: اگر امکان دارد درباره تفکر توحیدی مختصری توضیح بفرمایید که در صفات و اسماء و نعمت های خدا فکر کنیم یا فقط به ذات؟

جواب: فقط باید به خدا و رسیدن به او و ارتباط و تعلق بین انسان و بین او توجه کنید و تفکر کردن به آثار و اسماء و صفات، انسان را در این موقع از

رسیدن به او باز می‌دارد.

سؤال: لطفاً نظرتان را دربارهٔ مُحَرِّم شدن برای ما که در ماه ذی‌القعدة وارد مکه می‌شویم و بعد ماه ذی‌الحجه را درک می‌کنیم بفرمایید! چون قبلاً صحبت فرموده بودید که نمی‌توان کمتر از یک ماه عمرهٔ مفرده انجام داد؛ آیا می‌شود در ماه ذی‌الحجه که ایّام حج است عمرهٔ مفرده انجام داد؟

جواب: نه‌خیر، رفقا توجه داشته باشند که این مسئله در عمرهٔ مفرده‌ای است که در غیر از ایّام حج مشرف می‌شوند. نباید در یک ماه دو عمره انجام داد؛ تا ده روز، حرام است که انسان عمرهٔ مجدد انجام بدهد و تا یک ماه کراهت شدید دارد؛ ولی انسان می‌تواند دو عمره را در دو ماه انجام بدهد، ولی به‌فاصلهٔ یک روز! یعنی آخر ماه یک عمرهٔ مفرده انجام می‌دهد و فردا که ماه جدید می‌آید [یک عمرهٔ دیگر انجام می‌دهد؛] فرض کنید که آخر ماه رجب یک عمره انجام می‌دهد و فردا که شعبان می‌شود می‌تواند همان فردا برای ماه دیگر یک عمره انجام بدهد؛ ولی دو عمره انجام دادن به‌فاصلهٔ یک ماه کراهت شدید دارد و کمتر از ده روز هم حرام است.

سؤال: [آنهایی که در مکه هستند برای] عمره

دوم [از کجا احرام ببندند]؟

جواب: از همان مسجد تنعیم.

سؤال: آنهایی که از مدینه می آیند چگونه؟

جواب: آن کسی که از مدینه می آید در مسجد

شجره [احرام می بندد] و آن کسی که از خود مکه

است در مسجد تنعیم.

سؤال: آنهایی که از مدینه می آیند و قبل از ماه

ذی الحجّه به مکه می رسند، می توانند به نیت عمره

تمتع احرام ببندند؟

جواب: در ماه ذی الحجّه یا غیر از ماه ذی الحجّه؟

سؤال: مطمئن است که قبل از حلول ماه

ذی الحجّه به مکه می رسد.

جواب: [اگر] قبل از ذی الحجّه [به مکه می رسد]

حتماً باید از مسجد شجره احرام ببندد.

سؤال: به چه نیتی؟

جواب: به نیت عمره تمتع، نه عمره مفرده! و

اصلاً نباید بین عمره تمتع و بین حج از مکه خارج

شد؛ یعنی اصلاً نباید عمره انجام داد! التفات کردید؟

این مسئله فقط مربوط به عمره مفرده است؛ ولی باید در ایّام حج فقط یک عمره انجام داد، آن هم عمره تمتّع! و نباید بین عمره تمتّع و بین حج از مکه خارج شد و باید در مکه بود.

سؤال: در سخنرانی‌ها فرموده‌اید که عرفات حکم درب حرم و مشعر حکم حرم را دارد، منی و رمی جمرات چه حکمی دارد؟

جواب: اینها دیگر مطالبی است که شاید فرصتی برای [پرداختن به آن نباشد!] منی و رمی جمرات ممثّل دفع اعتباریات و خود نفسانیات و رفض و دور کردن خود ذات انسان است در وقتی که در حرم واقع شده است! دو مطلب است: یک وقتی انسان را وارد حرم می‌کنند و کاملاً انسان از نفسانیات خودش پاک شده است و هیچ انانیتی ندارد و هیچ وجودی ندارد و همین فنائی که برای اولیای الهی به نحو فنای ممتدّ و ملکه محقّق می‌شود [برای او هم محقّق است]، در یک‌هم‌چنین وضعیتی دیگر اصلاً در اینجا شیطان نیست. ولی یک وقتی برای انسان حالت فناء منقطع، یعنی حالات جذب و توجّه به پروردگار و تجرّد فی‌الجمله می‌آید، ولی هنوز از بقایای نفس باقی

است! رمی جمرات اشاره به این حالت انسان است. یعنی وقتی که انسان وارد حرم شد، هنوز از ذات خودش و نفس خودش باقی است؛ با رمی شیطان و از بین بردن او، کأنه دیگر به کلی خود را از خود تهی می‌کند و حق را به جای خود مستقر می‌کند.

سؤال: حقیقت تقصیر کردن و قربانی کردن

چیست؟

جواب: تقصیر همان حلق است؛ نسبت به مرد، چون مرد جنبه ظاهر دارد و آن شکل ظاهری و مویی که بر سر او است مورد توجه افراد دیگر است، طبعاً باید مو که یکی از آثار شئونات انسان و شخصیت انسان است، در روز عید قربان به طور کل کنار گذاشته شود و از بین برود. و چقدر افرادی که در حجّ اوّل موی خود را نمی‌تراشند کار ناپسندی می‌کنند و البته این حرام است و باید در حجّ مو را تراشید؛ و افرادی که به حجّ بعد و حجّ مکرّر می‌روند، به عنوان اینکه دیگر تراشیدن مو مستحب است موی خود را نمی‌زنند! مرحوم آقا فرمودند:

کسی که به حجّ برود - چه مستحب و چه واجب - و موی خود را نتراشد، روحانیت حجّ

در او ظهور پیدا نخواهد کرد!

این اصل مسئله است. پس تراشیدن مو عبارت است از ریختن همه شئونات و همه انانیت‌ها و همه آنچه که انسان را از خدا دور می‌کند! و چون برای خانم‌ها تراشیدن مو حرام است [باید تقصیر کنند] و از این نقطه نظر نباید موی خود را بزنند؛ چون خودشان را محبوس می‌کنند و حکم برای آنها تفاوت می‌کند. تقصیر حکم همان تراشیدن مو برای مرد را دارد.

سؤال:.....؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال: در جلساتی که کاروان‌ها برای حجّاج داشتند، روحانی کاروان برای مُحَرِّم شدن در مسجد شجره چنین می‌گفت که: «شما لباس‌های احرام خود را در هتل‌های مدینه بپوشید ولی نیت محرم شدن نکنید و وقتی که وارد مسجد شجره شدید نیت کنید» آیا پوشیدن لباس احرام از هتل‌ها بدون نیت اشکال ندارد؟

جواب: نه، اشکالی ندارد. انسان می‌تواند از همان هتل لباس بپوشد و بعد به آنجا برود؛ می‌تواند

در همان مسجد شجره هم لباس خود را عوض کند؛  
دیگر در اختیار خود افراد است.

سؤال: یکی دیگر از مسائلی که گفته شده این  
است که بعد از اعمال حج تمتع، زائرین را برای حج  
مفرد به حدیبیه [می‌برند و دوباره مُحَرَّم می‌کنند].

جواب: عرض کردم که حرام است و نمی‌شود  
انجام داد. مگر اینکه آن حج بگذرد و به مُحَرَّم برسد  
و برای مُحَرَّم یک عمره دیگر انجام بدهد. انجام دادن  
حج از وقتی که حج انجام شده است تا موقع مُحَرَّم،  
یا حرام است یا کراهت شدید دارد؛ اگر قبل از ده  
روز باشد حرام است و اگر بیش از ده روز باشد  
کراهت شدید دارد و نباید انجام داد.

سؤال: مسئله دیگر اینکه [می‌گویند] بعد از  
برگشتن از منی و عرفات، می‌توانید تا یک هفته  
اعمال... را به تأخیر بیندازید؛ آیا انجام این کار  
اشکال ندارد؟

جواب: تا اوّل مُحَرَّم اشکال ندارد که به تأخیر  
بیفتد؛ به هر مقدار که انسان می‌تواند.

سؤال: حکم استحاضه بیش از ده روز در حال...

به چه صورت است؟ آیا می‌توان بعد از ده روز را به صورت دوره ماهانه حساب کرد؟

جواب: در صورتی که آثار عادت را داشته باشد بله، ولی اگر نداشته باشد باز هم باید ده روز را به همان کیفیت استحاضه حساب کرد.

سؤال: در صورتی که در ایام حج استحاضه باشیم، آیا برای انجام هر عمل - مثلاً طواف نساء و سپس نماز نساء - باید اگر غسل لازم است غسل کنیم و اگر وضو لازم است وضو بگیریم، یا یک غسل و یک وضو با توجه به استحاضه کافی است؟

جواب: یک غسل کافی است.

سؤال: در نمازهای جماعت در مکه و مدینه، آیا خواندن حمد و سوره به عهده خودمان است یا به صورت نمازهای جماعت شیعیان است؟

جواب: در نمازهای جماعت نیت جماعت نمی‌کنیم، بلکه آهسته حمد و سوره را می‌خوانیم و در عمل به آنها اقتدا می‌کنیم؛ البته راجع به این مسئله هم عرض کردم که نظر بنده است و اگر کسی مرجع دیگری دارد باید به همان شخص مراجعه شود.

سؤال: در منی در چادرها خیلی حرف می‌زنند،



در آنجا بهتر است چه کاری انجام دهیم؟ آیا می‌شود شب‌ها که در منی هستیم به بیرون چادرها و محل سکونت برویم؟ بعد از قربانی چه مواردی [بر حاجی حلال می‌شود]؟

جواب: البته در منی، مسئله بودن در منی است نه فقط در زیر خیمه! اگر انسان در آنجا ناراحت است می‌تواند به خیمهٔ دیگر یا جای دیگر برود. بعد از قربانی نمی‌شود کاری کرد؛ انسان بعد از تقصیر از احرام بیرون می‌آید و فقط عطر و محرّمیت برای او باقی می‌ماند که با طواف عادی و نماز طواف عطر برای او حلال می‌شود و در وقتی که نماز طواف نساء انجام داد آن جنبهٔ زوجیت و نکاح هم برای او حلال می‌شود. غیر از این دو مورد، تمام موارد احرام بعد از تقصیر و بعد از سرتراشیدن برای انسان حلال می‌شود.

سؤال: بعضی از کاروان‌ها بعد از برگشت از منی به مکه، سه یا دو روز بعد برای طواف کعبه می‌برند تا خلوت شود، آیا در این مدت نباید از منزل بیرون بیاییم؟ چون ممکن است برای رفت‌وآمد، با آقایان

برخورد داشته باشیم و مجبور به صحبت شویم؛ در

این موارد چه اموری را باید رعایت کنیم؟

جواب: نه، اشکال ندارد. انسان بیرون می‌آید و

صحبت کردن با مرد و شوهر هم اشکال ندارد؛

صحبت کردن ایراد ندارد، منتهی آن روابط خاص و

احساس خاص نباید باشد.

سؤال: در مدینه، برای زیارت حرم پیامبر قسمتی

را مشخص نموده بودند که نزدیک حرم بود و برای

رسیدن به این قسمت چند مانع قرار داده بودند و

جمعیت خانم‌ها پشت این موانع می‌ایستادند تا

مقداری در گشوده می‌شد و با فشار و شلوغی وارد

قسمت جلو می‌شدند، و نزدیک حرم و منبر و

ستون‌ها و محراب با فاصله زیادی دوباره مانع قرار

داده بودند و فقط می‌توانستیم آنجا به سختی و فشار

دو رکعت نماز بخوانیم، ولی در قسمت مسجدالنبی

که جدیداً اضافه شده است، خلوت است؛ در این

موارد تکلیف چیست؟

جواب: هر جا که راه دادند، همان جا بایستید نماز

بخوانید و اشکال ندارد.

سؤال: ما مرتبه دوم است که از جدّه به جعفه

می‌رویم و باید در آنجا برای عمره تمتع مُحَرَّم شویم؛  
روحانی کاروان به ما گفته‌اند که شما می‌توانید برای  
عمره تمتع از طهران غسل کنید، گفته‌اند امکان دارد  
در جعفه آب سرد باشد؛ درست است [ما از طهران  
غسل کنیم]؟

جواب: بله، اشکالی ندارد؛ از طهران هم می‌شود  
برای عمره غسل کرد. البته یک غسل هم برای  
زیارت هست که انسان از منزل خودش غسل  
می‌کند،<sup>۱</sup> ولی با این فرق می‌کند؛ غسل از خود منزل  
هم ایرادی ندارد.

خب اگر رفقا راجع به اینها مطلبی دارند  
بفرمایند.

سؤال: پتوهایی که می‌دهند همه دو‌دوخت  
است... که موقع احرام استفاده می‌کنند!

جواب: بهتر است که دوخت آن را دریاورد، یا  
خودش با خود یک پتویی ببرد که دوخت نداشته  
باشد.

سؤال: ... آنهایی که نیمه‌شب وارد جدّه

---

<sup>۱</sup>. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۹۲.

می شوند، شب ماشین مسقف می گیرند؛ ممکن است  
موقعی که به طرف مکه مشرف می شوند با طلوع  
آفتاب مواجه بشوند! این چه صورتی دارد؟

جواب: این اشکال پیدا می کند! اگر در هنگام  
طلوع آفتاب باشد، اشکال پیدا می کند و باید یک  
گوسفند بدهد.

سؤال: اینجا چند صورت دارد: یکی می داند که  
حتماً مشکل ایجاد می شود، یعنی طلوع آفتاب  
می شود؛ و یکی نه!

جواب: تفاوت نمی کند؛ اینجا تأثیری در علم و  
جهل نیست.

سؤال: اگر کسی خوف به بیماری داشته باشد  
[چطور؟]

جواب: حتی اگر مریض هم باشد باید گوسفند  
بدهد؛ هیچ تفاوتی نمی کند.

سؤال: اگر امکان مالی نداشته باشد که گوسفند  
بدهد چطور؟

جواب: بله، اگر [امکان مالی] نباشد، آن وقت  
می تواند به جای آن سه روز روزه بگیرد.

سؤال: این کفّاره را می تواند وقتی که ایران می آید

انجام بدهد؟

جواب: بله، اشکال ندارد.

سؤال: می‌گویند که مخیر می‌گذارند؛ یعنی اگر کسی خواست، اسم خود را می‌دهد تا برای آنها ماشین غیرمسقف تهیه کنند. الآن هم که سرمای آن‌چنان حادّی نیست که [کسی مریض بشود!]

جواب: نمی‌دانم؛ الآن با توجّه به وضعیّت آنجا، تقریباً زمستان است دیگر!

سؤال: تا جحفه که بیشتر از یک ساعت و نیم راه نیست!

جواب: بیشتر از یک ساعت و نیم است! دو ساعت و نیم طول می‌کشد. علی‌کلّ حال مشکلی نیست؛ اگر ماشین مسقف بود، انسان یک گوسفند بدهد و الاً [نیازی به گوسفند نیست!] اگر خوف سرما یا سرماخوردگی و باران است - چون الآن فصل باران و هوای سرد است - انسان بهتر است در شب به همین وضعیّت باشد، و الاً به تأخیر بیندازد؛ مثلاً در روز با سقف سر باز برود که آفتاب هست و طبعاً دیگر سرمای شب هم نیست.

سؤال: [به اختیار ما نمی‌گذارند که انتخاب

کنیم!]

جواب: می‌دانم؛ ایشان این‌طور می‌فرمایند.

سؤال: به انتخاب ما که نیست؛ فقط غیرمسقف

بود و در اختیار ما می‌گذارند که از بعثه یک ماشینی

برای افرادی که می‌خواهند کرایه مسقف بدهند

بیاید.

*بالأخره این قضیه قربانی برای ما مشخص نشد! اگر ما نتوانیم به هیچ طریقی حضور داشته باشیم یا نماینده ما در مذبح حضور داشته باشد و قربانی خاص را ذبح کند، در اینجا باید [چه کرد؟]*

جواب: اشکالی ندارد. همانی که آنها می‌گویند

کفایت می‌کند؛ همین که آنها بگویند ما از طرف شما

قربانی کردیم کافی است و نیازی به تحقیق نیست.

سؤال: حاج آقا، اینکه فرمودید اگر فاصله دو تا

عمره کمتر از ده روز باشد حرام است، اگر دو می‌آن

نیابت باشد باز هم اشکال دارد؟

جواب: هیچ فرقی نمی‌کند؛ یک شخص در کمتر

از ده روز نباید دو عمره انجام بدهد، چه نیابت و چه

مستحبی!

سؤال: باید در طواف فاصله چقدر باشد؟ در حج

تمتع خب مردم زیاد هستند!

جواب: انسان باید در طواف راحت طواف کند؛

اگر بتواند باید بین مقام ابراهیم و خود کعبه طواف کند، و اگر دید ازدحام زیاد است می‌تواند فاصله بگیرد و هر مقدار هم که فاصله گرفت ایراد ندارد.

سؤال: ... اینکه سر را نباید پوشاند، خشک کردن

سر در حمام اشکال دارد؟

جواب: انسان نباید حوله را کاملاً روی سر

ببندازد، ولی می‌تواند جهات مختلف را کم‌کم خشک کند.

سؤال: بهتر است بعد از حلق که از احرام خارج

می‌شویم با لباس احرام باشیم یا لباس معمولی و فرقی نمی‌کند؟

جواب: بهتر است که انسان اعمال را با لباس

احرام انجام بدهد و این هست، ولیکن اگر احساس می‌کند که مشکل است می‌تواند لباس [احرام] خود را در بیاورد.

سؤال: حاج آقا، این کشتارگاه‌هایی که الآن خارج

از منی هست اشکال ندارد؟

جواب: نه، اشکال ندارد.

سؤال:.....؟

جواب: بهتر است که انسان در همان وسط قرار بگیرد؛ ولی علی‌کلّ حال اگر مشکل بود، به این طرف و آن طرف هم [اگر برود] باز مانعی نیست.

سؤال: ... سوزن می‌زنند و یک مقداری خون می‌آید، این اخراج خون حساب می‌شود؟  
جواب: بله، نباید باشد.

سؤال: اگر لازم باشد که سوزن و آمپول بزنند چطور؟  
جواب: بله، آن عیب ندارد.

سؤال: زیارت امام حسین که در شب عید عرفه است همان زیارت عاشورا است؟  
جواب: نه، خود زیارت مخصوصه حضرت است.

سؤال: حاج آقا ببخشید، برای عوامل کاروان که همراه ماشین خانم‌ها برای رمی جمرات می‌روند، لازم است بعد از اینکه رمی کردند دوباره به مشعر برگردند و تا طلوع آفتاب بمانند و یا همان موقع که سنگ زدند کفایت می‌کند؟

جواب: خودشان نباید سنگ بزنند! خودشان باید فردا بزنند.



سؤال: صبح عید بززند؟

جواب: باید صبح عید بززند دیگر!

سؤال: می‌توانند قبل از طلوع آفتاب سنگشان را

بززند؟

جواب: نه خیر.

سؤال: آن وقت حتماً باید به مشعر برگردند و تا

طلوع آفتاب بمانند؟

جواب: نه، آن اشکال ندارد. اگر می‌توانند باید

برگردند؛ اما اگر نه، می‌توانند همان‌جا در منی بمانند

و بعد از طلوع آفتاب سنگ بززند.

سؤال: اگر تعداد سنگ‌ها کم بیاید، مثلاً پنج تا

بخورد و کم بیاید، اگر بخواهد برود بیاورد موالات

به هم می‌خورد؟

جواب: نه، اشکال ندارد؛ از دیگران هم می‌شود

انسان بگیرد.

سؤال: در کل مدینه و کل مکه هم نماز کامل

است؟

جواب: در کل مدینه و کل مکه نماز کامل است.

و در مکه جلو و عقب ایستادن زن و مرد ایرادی

ندارد! هم در مسجدالحرام و هم غیر مسجدالحرام،  
لذا اگر مردها دیدند که یک زن آمد و در جلوی آنها  
نماز خواند، هم نماز زن و هم نماز مرد درست است<sup>۱</sup>  
و این فقط اختصاص به مکه دارد.

سؤال: حاج آقا ببخشید، نماز جماعت‌هایی که در  
خانه خدا برقرار می‌شود، یک قسمت‌هایی هست که  
آدم روبه‌روی امام واقع می‌شود، آن هم اشکال  
ندارد؟

جواب: نه خیر؛ شما روبه‌روی کعبه واقع بشوید،  
چه روبه‌روی امام چه غیر امام فرق نمی‌کند.

سؤال: ببخشید، نماز پشت مقام ابراهیم... باید  
دقیقاً در پشت باشد یا در موازات هم اشکال ندارد؟  
جواب: نه، اشکال ندارد. مثلاً اگر اینجا مقام  
ابراهیم است، لازم نیست حتماً در اینجا [باشید!]  
بلکه اینجا یا اینجا هم پشت تلقی می‌شود.

سؤال: ... اگر در جهت قبله شما قرار بگیرد، مثلاً  
در این...؟

جواب: نه خیر.

---

<sup>۱</sup>. رجوع شود به المزار الکبیر، ابن‌مشهدی، ص ۴۶۲.

سؤال: اگر مقام و... در یک خط قرار بگیرد

چطور؟

جواب: اصلاً امکان ندارد! چطور می‌تواند

یک هم‌چنین نمازی بخواند؟! فقط یک نفر می‌تواند

آن‌چنان دقیق بایستد!

خب دیگر اگر رفقا سؤالی ندارند... .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ